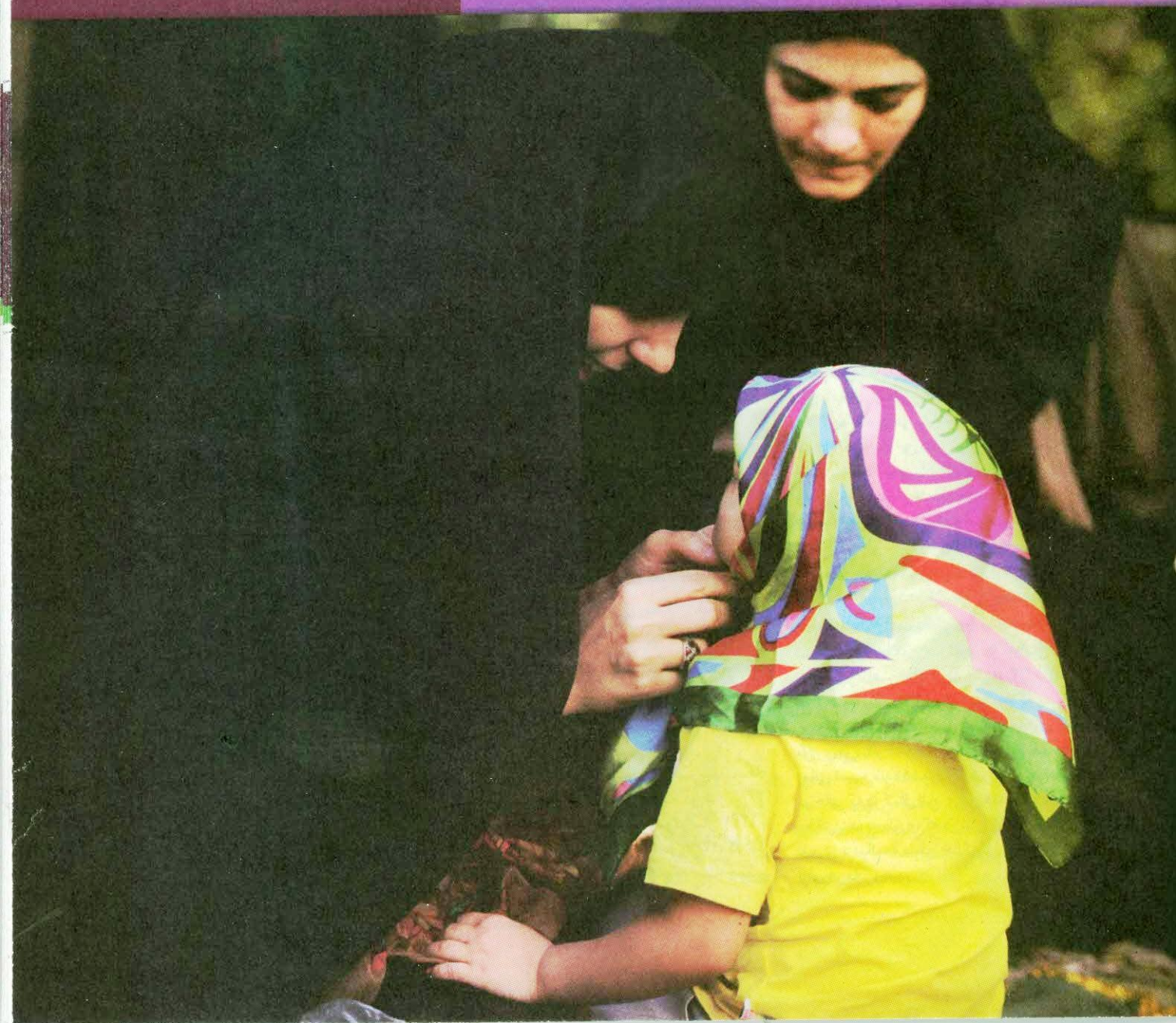


ماهنامه

• ماهنامه فرهنگی تشکیلاتی •
• سال اول • شماره یازدهم • بهمن ۹۲ •

« خط ویژه





| خصوصی ترین تصمیم زندگی زوجین روی میز داغ حلقه وصل |

« کنترل جمعیت، نتیجه تغییر سبک زندگی

اگر به مرکز آمار کشور **زهره کریمی**

مراجعه و سیر جمعیتی کشور را در طول یک قرن نگاه کنیم، می بینیم جمعیت ایران در این یک قرن از ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ با افزایش هشت برابری به حدود ۷۷ میلیون در حال حاضر رسیده است. این میزان جمعیت حدود یک درصد از کل جمعیت جهان را تشکیل می دهد و البته سبیل جمعیت در سال های مختلف کشور شتاب متفاوتی داشته است. بنا بر آمارهای اعلام شده توسعه ایران از لحاظ جمعیتی در جهان ۱۸ و در آسیا بعد از پاکستان و مصر رتبه سوم را دارد. این آمار به این معنی است که کشورمان از لحاظ جمعیتی در شرایط خوبی قرار دارد، اما نکته ای که کارشناسان و مسئولان را نگران و به دغدغه مهم جمعیتی کشور تبدیل شده است این است که نرخ رشد جمعیت ایران نسبت به گذشته بسیار کاهش و این میزان به حدود ۱٫۳ رسیده است، نرخي که اگر سیاست گذاری و برنامه ریزی برای آن صورت نگیرد تا ۳۰ سال آینده، ایران با رشد صفر و منفی جمعیت مواجه خواهد بود و هرم جمعیتی کشورمان از جمعیت جوان به سالمند و پیر تغییر خواهد کرد و این مساله از نظر توسعه و شرایط اجتماعی پیامدهایی ناخوشایندی به همراه خواهد داشت. در واقع بحث افزایش جمعیت از موضوعات بسیار مهم سیاست گذاری های دولت به شمار می رود که لازم است در این زمینه فرهنگ سازی و آموزش های لازم ارائه شود و قانون گذاری صورت گیرد. به همین جهت در گفت گو با فرشته روح افزا مدیر طرح، برنامه و تدوین سیاست شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده و عضو هیئت علمی دانشگاه منچستر انگلیس این بحث را مورد بررسی قرار داده ایم تا علاوه بر ترسیم نگرشی درست از وضعیت فعلی سیر جمعیتی ایران به ارائه راهکارها برای این نگرانی بزرگ مسئولان و جمعیت شناسان بپردازیم.

خانم دکتر همانطور که می دانید رهبر معظم انقلاب کاهش جمعیت ایران را به عنوان یکی از نگرانی های خود طی سال های اخیر عنوان کرده اند، به اعتقاد شما چرا باید نگران کاهش جمعیت ایران بود؟

همان طور که می دانید میزان باروری از سال ۱۳۶۴ به تدریج شروع به کاهش کرد. هرچند دولت از سال ۱۳۶۷ سیاست های آشکاری را برای تعدیل نرخ رشد در پیش گرفت؛ اما باید اذعان کرد سیاست های

مقوله کنترل جمعیت نتیجه تغییر

سبک زندگی است. این سبک زندگی

یکسری ملزومات دارد که یکی از آن ها

فرزند کم تر است. این سبک زندگی

به دلیل تبادلات فرهنگی با غرب، نفوذ

مدرنیته و رسانه های مختلف و تعاملات

اجتماعی، چند ویژگی مهم دارد که با

توجه به این ویژگی ها می توان تاثیر

آن را در موضوع فرزندآوری پیگیری

کرد

به سرعت روند انتقالی خود را طی می کند؛ تا جایی که میزان باروری کل از ۵/۵ فرزند در این سال، به ۲/۱۷ فرزند در سال ۱۳۷۹ می رسد.

در قانون برنامه اول توسعه پیش بینی شده بود که نرخ باروری از ۶،۴ فرزند در سال ۱۳۶۵ به ۴ فرزند در سال ۱۳۹۰ برسد، در حالی که در سال ۱۳۷۱ به این هدف رسیدیم؛ اما با این حال در سال ۷۲، قانون تنظیم خانواده در مجلس تصویب شد. در اینجا لازم است که به این نکته توجه کنیم که عامل مهم دیگری که روند تنظیم خانواده را در ایران تسهیل کرد، کمک های بین المللی، به ویژه کمک هایی بود که در قالب پروژه های صندوق جمعیت سازمان ملل متحد صورت گرفت.

میزان به کارگیری روش های پیشگیری از حاملگی، که در سال ۱۳۵۵ و نقطه ای اوج برنامه تنظیم خانواده قبل از انقلاب اسلامی به ۳۶ درصد رسیده بود، تا سال ۱۳۷۸ به حدود دو برابر، یعنی بیش از ۷۰ درصد، افزایش یافت. بنابراین کشور ایران در حال حاضر تجربه حدود سه دهه تصویب و اجرای سیاست های کنترل جمعیت و برنامه های تنظیم خانواده برای کاهش رشد جمعیت را پشت سر گذاشته است. این سیاست ها به شکل حیرت آوری بر روند رشد جمعیت تأثیر گذاشته و آن را از رقم ۳،۹ درصد برای دوره ۶۵ — ۱۳۵۵ به ۱،۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسانده است.

در برنامه اول توسعه مربوط به اواخر دهه ۶۰ هدف سیاست های مذکور جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت و کاهش نرخ باروری کل به ۲/۳ فرزند برای هر مادر تا سال ۱۳۹۰ ذکر شده بود که بسیاری از جمعیت شناسان براساس تجربه برنامه های کاهش باروری در سایر کشورها حصول به این هدف را در بازه زمانی تعیین شده دشوار بلکه غیرممکن می دانستند، در حالی که در کمال ناباوری این هدف یک دهه زودتر محقق شد؛ به طوری که در سال ۱۳۷۹ ایران را به نرخ باروری نزدیک به سطح جایگزینی یعنی ۲/۲ فرزند برای هر مادر رسید.

مخفی دولت، از جمله افزایش سطح سواد، توسعه ای نقاط روستایی و گسترش شبکه های بهداشتی، در کاهش باروری از نیمه دهه ۶۰ به بعد، تأثیر بسزایی داشته است.

از سال ۱۳۶۷ دولت تصمیم به تغییر سیاست های تنظیم خانواده گرفت و در نهایت، در سال ۱۳۶۸ برنامه ای از طرف دولت مطرح شد و در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید. در واقع از سال ۱۳۶۷، که زمان شروع مجدد برنامه های تنظیم خانواده است، جمعیت

علی‌رغم تحقق هدف، سیاست‌های کنترلی در دهه ۸۰ همچنان ادامه یافت به طوری که نرخ باروری به ۱٫۶ فرزند در سال ۱۳۹۰ رسید که وضعیت خطر و بحران را گزارش می‌دهد؛ زیرا کاهش نرخ رشد جمعیت اگر مسیری پیش‌رونده داشته باشد، پس از مدتی غیرقابل کنترل خواهد شد یا با سختی فراوان می‌توان آن را متوقف کرد، به طوری که با این روند کاهش تدریجی کشور در آینده با چالش‌های متعددی روبه‌رو خواهد شد.

چند نمونه از این چالش‌ها را نام می‌برید؟

■ بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی فعال در سن کار، بحران سالمندی جمعیت، افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و ایجاد تغییرات فرهنگی و هویتی، بحران امنیت ملی از مشکلات پیش‌روی کشور است. براساس برخی پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل، روند نزولی رشد جمعیت ایران همچنان استمرار خواهد یافت به طوری که در سال‌های ۱۴۳۰ نرخ باروری کل به ۱٫۳۵ فرزند خواهد رسید.

به همین دلیل ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی با اولویت بالایی در بین مسئولان کشورمان مطرح شده است، به طوری که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۰ در دیدار با جمعی از کارگزاران نظام فرمودند: «بررسی‌های علمی و کارشناسی نشان می‌دهد که اگر سیاست کنترل جمعیت ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیری و در نهایت کاهش جمعیت خواهیم شد، بنابراین مسئولان باید با جدیت در سیاست کنترل جمعیت تجدیدنظر کنند و صاحبان رسانه و تربیون از جمله روحانیون برای فرهنگ‌سازی این موضوع اقدام کنند».

نکته مهم دیگر که در روند کاهش جمعیت نباید از آن غفلت کرد این است که واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که اساس و بنیاد شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه‌طلبی و برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان رنگ و لعاب کمک‌های بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است، به طوری که محققان آمریکایی می‌گویند افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه نه تنها موقعیت سیاسی برتر آمریکا را به خطر می‌اندازد بلکه مانع اصلی در راه توسعه جهانی است.

■ خیلی از کارشناسان معتقدند که بحث‌های فرهنگی بیشتر از سیاست‌های دهه ۷۰ در کاهش جمعیت ایران و ارتقای نرخ باروری نقش داشته. نظر شما در این خصوص چیست؟

■ به نظر من مهم‌ترین عامل کاهش جمعیت راطی سال‌های اخیر باید ناشی از تغییرات وسیع فرهنگی دانست که به اعتراف کارشناسان پس از جنگ تحمیلی از دوران موسوم به سازندگی آغاز شد؛ تغییراتی که منجر به تغییر سبک زندگی شد؛ با وقوع انقلاب اسلامی ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی برجسته شد، اما پایان جنگ و آغاز شرایط نوین سیاسی و اقتصادی و همچنین برنامه‌های توسعه، فرآیند تحول در ارزش‌ها را پدید آورد که بر اساس آن سبک زندگی غربی که در

مقابل سبک زندگی اسلامی به حاشیه رفته بود، دوباره به متن جامعه بازگشت. البته این فرآیند زیر پوستی و خزنه بود و یکباره صورت نگرفت. اگر دهه اول انقلاب، توده‌گرایی و صرفه‌جویی تشویق می‌شد، پس از آن همگام با رشد برنامه‌های آزاد اقتصادی، فرهنگ مصرف‌گرایی در بین جامعه رسوخ کرد. تبلیغ گسترده کالاها و خدمات همراه با مجلات و روزنامه‌های رنگی فضای یکدست جامعه را تغییر داد.

با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، بازسازی نظام اقتصادی کشور به دغدغه اصلی مسئولین و نخبگان سیاسی کشور بدل شد. بدین ترتیب «توسعه کشور» در عرصه‌های گوناگون، محور اصلی برنامه‌های دولت جدید به ریاست «هشتمی رفسنجانی» قرار گرفت. این دوره هشت ساله طی سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ که از آن با عنوان «دوران سازندگی» یاد می‌شود، مسبب تحولات گسترده‌ای بود که ابتدا در حوزه عمرانی و اقتصادی و سپس در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی رخ داد.

اساس و بنیاد شکل‌گیری برنامه‌های

تنظیم خانواده که همواره مورد توجه

و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های

بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است،

از نوعی سلطه‌طلبی و برتری‌طلبی

قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز و با

گذشت زمان رنگ و لعاب کمک‌های

بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به

خود گرفته است، به طوری که محققان

آمریکایی می‌گویند افزایش جمعیت

در کشورهای در حال توسعه نه تنها

موقعیت سیاسی برتر آمریکا را به

خطر می‌اندازد بلکه مانع اصلی در راه

توسعه جهانی است

بخش عمده‌ای از این تغییرات به تغییر در «سبک زندگی» افراد جامعه منجر شد.

مهم‌ترین تغییر ارزشی در نیمه اول دهه ۱۳۷۰، حرکت از سوی ارزش‌های معنوی و فرامادی به سوی ارزش‌های مادی و دنیوی بود. در دهه اول انقلاب، ثروت و نابرابری مالی افراد تحت عنوان «فرهنگ طاغوتی» تقبیح می‌شد. به گونه‌ای که بنیانگذار انقلاب بارها در بیانات خود «کوخ‌نشینان» را بر «کاخ‌نشینان» اولویت می‌داد. این وضعیت در سال‌های دهه ۱۳۷۰ تغییر کرد. دولت نظارت اجتماعی را کاهش داد. با گسترش آموزش عالی، ارزش‌های جدید اجتماعی در اقصی نقاط کشور نفوذ کرد.

گرایش روزافزون جامعه به ویژه نسل جوان به مظاهر غربی و رسوخ فرهنگ غرب به بطن جامعه، خطر پنهانی بود که دولتمردان تا حد زیادی از آن غافل ماندند. از سوی دیگر گسترش مصرف‌گرایی و افزایش

واردات علاوه بر ایجاد تورم و گرانی‌های کمرشکن در جامعه، تولید داخلی را نیز با مشکل مواجه می‌کرد. تشویق سیاست‌های کاهش جمعیت با شعار «دو تا بچه کافیست» از یک سو و ترغیب و تبلیغ مردم برای مصرف بیشتر به جهت چرخیدن چرخ‌های دولت سرمایه‌سالار شبه دینی، از دیگر سو، کم‌کم موجب تبدیل جامعه‌ای انقلابی به جامعه‌ای مصرفی شد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که توسعه ناموزون کشور در دوران سازندگی و عدم توجه به ظرفیت‌های بالقوه آموزه‌های دینی در تأمین نیازهای فرهنگی جامعه منجر به تغییر سبک زندگی عموم مردم و گرایش به مظاهر زندگی غربی شد. گسترش امکانات رفاهی و رسانه‌های جمعی، افزایش تعداد دانشجویان و بهبود سطح زندگی طبقه متوسط جدید به ویژه در شهرهای بزرگ در این دوران فرصتی بود که می‌توانست زمینه‌های نیل به اهداف والای انقلاب اسلامی را فراهم کند؛ اما شتابزدگی، عدم برنامه‌ریزی مناسب و کج سلیقگی برخی سیاستگذاران در کنار غفلت نخبگان فرهنگی کشور مانع از این فرایند شده و این تغییر ذائقه را به تهدیدی اجتماعی بدل ساخت. اگرچه نباید در این نکته راه افراط پیمود و تمام جنبه‌های این تغییر سبک زندگی را مذموم شمرد اما نمی‌توان از نقش آن در بستر سازی بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی سال‌های بعد غافل شد. بنابراین به طور قطع، مقوله کنترل جمعیت نتیجه تغییر سبک زندگی است. این سبک زندگی یکسری ملزومات دارد که یکی از آن‌ها فرزند کم‌تر است. این سبک زندگی به دلیل تبدلات فرهنگی با غرب، نفوذ مدرنیته و رسانه‌های مختلف و تعاملات اجتماعی، چند ویژگی مهم دارد که با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان تأثیر آن را در موضوع فرزندآوری پیگیری کرد. در این سبک زندگی، اقتصاد و پول محور تمام تصمیمات است و هر نوع رفتار و کنش که متضمن سود و منفعت مادی نباشد پذیرفته نمی‌شود.

■ در روزگاران گذشته زنان با فرزندان‌شان هویت پیدا می‌کردند ولی در حال حاضر هویت اغلب زنان به شغل و تحصیلاتشان گره خورده است و خیلی از آن روزها فاصله گرفته‌اند، این تغییر نگرش و تغییر سبک زندگی چقدر توانسته در فرزندآوری آن‌ها نقش داشته باشد و به اعتقاد شما برای اصلاح این نگرش نادرست چه باید کرد؟

■ یکی از آثار و پیامدهای ناگوار رواج اندیشه‌های فمینیستی، پدید آمدن برداشت‌های جدید درباره هویت زنانه بود. با کمال تأسف، در دورانی که اندیشه‌های فمینیستی در خاستگاه و مهد پیدایش خود با تردیدهایی جدی روبه‌رو شده است و نویسندگان متعددی در نقد و رد آن به تألیف کتاب و مقاله پرداخته‌اند، این اندیشه‌ها بر ذهن و زبان گروهی از دختران جوان ایرانی جاری شده و موجب کم‌رنگ شدن نقش مادری و جایگاه ارزشمند مادری و همسری در چشم آن‌ها شده است.

در سال‌های اخیر، تمایل زنان به کار و کسب درآمد افزایش یافته و در نتیجه، اشتغال زنان و حضور زنان در بازار کار فزونی یافته است. در کنار این موضوع، نوعی تغییر نگرش به ازدواج و نقش‌های همسری و

از ظرفیت علمی حوزه برای تصویب قانون جدید جمعیت، تدوین و تصویب قوانین معدودی که در اجرای بهینه سیاست‌های مصوب شورایی زمینه‌ساز است، تصویب ماده واحدهای مبنی بر لازم‌الاجرا و قانونی بودن کل مصوبه شورایی و لغو هر قانون و معاهده داخلی و بین‌المللی مغایر آن است تاکید می‌کنم

همچنین اجرای هرچه سریع‌تر مصوبه شورای عالی در جهت ایجاد مرکز جامع تخصصی جمعیت در معاونت ریاست جمهوری (ماده ۵ سیاست‌های مصوب شورایی انقلاب فرهنگی)، ایجاد ستاد راهبردی نقشه‌مهندسی فرهنگی در بحث جمعیت برای نظارت و پایش مستمر نحوه تحقق سیاست‌ها، بازنگری نحوه جمع‌آوری و تحلیل آمار با توجه به سوابق حضور سازمان ملل در هدایت آمار و تغییرات آن، بازنگری در فعالیت‌های کلیه دستگاه‌های همکار با آژانس‌ها و به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سم‌زدایی از آنها، تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و برنامه ریزی جمعیت و انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت برای جلوگیری از بروز عواقب قبلی از دیگر وظایف است.

در اینجا لازم است توجه همگان را به یک نکته جلب کنم و آن این است که در یک برهه‌ای از زمان در جهت مصالح کشور، سیاست کنترل جمعیت باید اجرا می‌شد، اما متأسفانه با وجود تحقق این هدف تا سال ۷۱ اثر یک غفلت مدیریتی، در دولت‌های گذشته و نبود کنترل‌های لازم، به غلط سیاست کنترل جمعیت در کشور ادامه یافت و مجامع بین‌المللی نیز برای مدیران ما به خاطر جدیت در اجرای این سیاست کف و سوت زدند و می‌دانستند که ما با دست خود در حال درست کردن یک گرفتاری بزرگ برای کشور هستیم. بنابراین اگر وضعیت در بحث کنترل جمعیت به همین منوال پیش رود، کشور با پیری مواجه می‌شود و متأسفانه برخی این مسأله را جدی نمی‌گیرند و حتی ما با بی‌اعتنایی برخی از بخش‌های وزارت بهداشت به بحث افزایش جمعیت و اصرار بر ادامه سیاست‌های گذشته مواجه هستیم. بنابراین انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت برای جلوگیری از بروز عواقب نامطلوب بسیار ضروری و حیاتی است و نباید نسبت به آن غفلت شود.

از جمله گروه‌های مرجع تاثیرگذار دیگر که باید در این مسأله، همانطور که رهبر معظم انقلاب نیز به آن تصریح نموده‌اند ورود کنند، علماء و مراجع عظام می‌باشند. در خصوص نقش علما و روحانیت باید اذعان کرد که علما و روحانیت معزز همیشه در طول تاریخ در جهت تحقق مصالح ملی تلاش کرده‌اند، اگر روشنفکران غرب زده در تاریخ معاصر ایران به ملت خیانت کردند، در نقطه مقابل، روحانیت شیعه مستمرا برای قطع دست بیگانگان و حفظ عزت و استقلال ملت تلاش کردند. ■

بایدرسانه‌ها علی‌الخصوص رسانه ملی
برداشت‌های نادرستی را که امروزه
در اذهان برخی دختران جوان درباره
نقش مادری و همسری زنان شکل
گرفته است، اصلاح کنند

حل مسائل و مشکلات گوناگونی که کشور ما در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با آن‌ها روبه‌روست، بر ضرورت «فرهنگ‌سازی» تاکید می‌کنند؛ ولی هنوز سازوکارهای فرهنگ‌سازی و لوازم و بایسته‌های آن - چنان که شایسته است، شناخته نشده و از این‌واژه جز صورت و ظاهر باقی نمانده است. محقق‌ساختن تاکیدات دوراندیشانه مقام معظم رهبری در خصوص افزایش حداقل دو برابر جمعیت

پیشانی افکار مستبدانه
بیت لا حیان فیہ لا برکت فیہ
خانهای که کودک در آن نابالغ، برکت ندارد



کشور، نیازمند فراسو نهادن چند گام و اقدام اساسی از سوی برنامه‌ریزان کلان کشور از یک‌سو و مجاب شدن و اهتمام جدی شهروندان جامعه از دیگر سو است؛ جمعیت هر کشور پتانسیل و قوه محرکه جامعه است که در صورت عدم تعادل و توازن، آینده جامعه را به خطر خواهد انداخت.

لذا شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که نیمی از بستر و زمینه تحقق رهنمود موکد مقام معظم رهبری در خصوص اهتمام برای مضاعف‌شدن جمعیت کشور، بر اثر سیاست‌ها و اقدامات برنامه‌ریزان و مسئولان کشور فراهم می‌شود. به همین خاطر، من به مجموعه‌ای از پیشنهادات که جزء وظایف دستگاه‌های مختلف است، شامل تدوین راهکارهای افزایش جمعیت که خوشبختانه شورای عالی انقلاب فرهنگی این امر مهم را انجام داده است، لغو قوانین مشوق کاهش جمعیت بالاخص قانون تنظیم خانواده سال ۷۲، استفاده

مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است. این تغییر نگرش، از تفکرات فمینیستی و از جوامع غربی به دیگر کشورها و از جمله ایران سرایت کرده است.

از عوامل دیگری که به کاهش فرزندآوری و تغییر نقش‌های زنان منجر می‌شود، افزایش سن ازدواج است. بروی‌های آماری نشان می‌دهد در ایران نیز میانگین سن ازدواج رو به افزایش است، با این تفاوت که این افزایش در زنان بیشتر است.

در جامعه امروز ایران، سن ازدواج زنان به دلیل افزایش میزان سوادآموزی آنان روبه افزایش است. همچنین، فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده وارد می‌شود؛ مگر اینکه قبل از ازدواج شغل و مسکن داشته باشند. طبیعی است که با افزایش سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه به کاهش تعداد فرزندان منجر خواهد شد.

بنابراین، وقتی حضور زن در خانه را تلف‌شدن و تباهی شخصیت او بدانند و کار خانهداری و نقش‌های همسری و مادری را نوعی اسارت و تحقیر به شمار آورند، طبیعی است که رواج این نگرش به کم‌ارزش‌شدن و تحقیر این نقش‌ها در جامعه و به‌خصوص در بین زنان منجر می‌شود و در نهایت بر کاهش باروری بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

با توجه به این موضوعات باید رسانه‌ها علی‌الخصوص رسانه ملی برداشت‌های نادرستی را که امروزه در اذهان برخی دختران جوان درباره نقش مادری و همسری زنان شکل گرفته است، اصلاح کنند. به طور مثال معرفی زیبایی دیدگاه اسلام درباره هویت زنانه و نقش و جایگاه مادری و همسری، بیان روایات وارد شده در شأن زنان باردار، از لحظه بستن شدن نطفه تا زایمان، تبیین نقش فرزندان صالح در سعادت اخروی پدران و مادران، تبیین و توضیح مفاهیم رفاه، آسایش و سعادت در دو نگاه مادی و دینی، نقد و بررسی دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه نقش مادری و همسری و بررسی آثار و پیامدهای رواج این دیدگاه‌ها در مغرب‌زمین صورت گیرد.

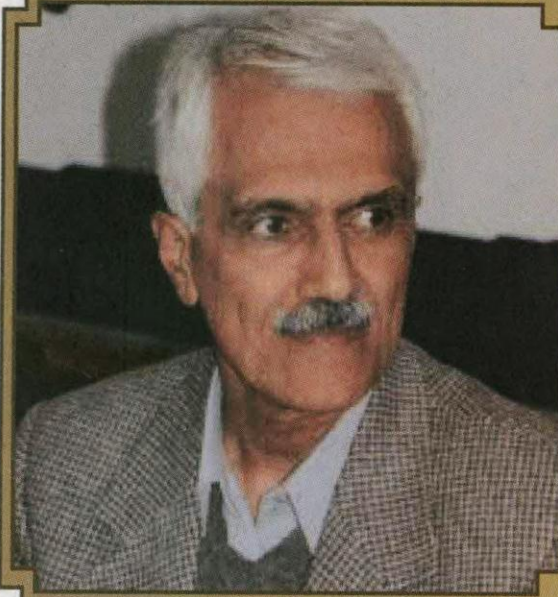
به عنوان سؤال پایانی، برای افزایش جمعیت و تغییر فرهنگ‌های غلط موجود که سوغاتی غرب برای تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی ماست، چه باید کرد؟

در حال حاضر، نه در میان کارشناسان و نه در میان مردم عادی، در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد اتفاق نظر وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان صرفاً با بهره‌گیری از اهرم رهنمودهای مقام معظم رهبری به تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی پرداخت، بلکه باید با ایجاد فضای بحث و گفت‌وگوهای کارشناسانه و بررسی جوانب گوناگون موضوع، زمینه را برای ایجاد وفاق اجتماعی در این زمینه فراهم کرد.

این روزها در کشور ما از «فرهنگ‌سازی» بسیار سخن به میان می‌آید و مسئولان و کارشناسان برای

گفتگوی حلقه وصل با رئیس انجمن جمعیت‌شناسی

بازشدن گره کور توسط جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله



دکتر محمد میرزایی: عضو هیئت

علمی و مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران است. تألیفات بسیاری در زمینه جمعیت و مسائل مرتبط دارد. دکتر میرزایی معتقد است که برای جلوگیری از کاهش جمعیت در سال‌های آتی، باید جوانان را ترغیب به ازدواج کرده و با کاهش سن ازدواج زنان از ۲۴ سال به ۲۲ سال، باروری را بالای سطح جانشینی برسانیم. با او درباره تحولات جمعیتی ایران و علل و مسائل آن به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

آقای دکتر به عنوان اولین سوال، به عنوان یک جمعیت‌شناس، گزارشی از وضعیت کنونی جمعیت ایران ارائه دهید؟

من به عنوان یک جمعیت‌شناس که ۴۰ سال است در این حوزه کار و تحصیل کرده‌ام، معتقدم که باید در برنامه‌ریزی و کارهایمان بیشتر روی زمان حال متمرکز باشیم. البته آینده‌نگری خوب است ولی نباید خیلی اسیر گذشته و آینده باشیم، مسایلی که الان ما به آن مبتلا هستیم باید مورد توجه قرار گیرد. منتها باید در این برنامه‌ها با نگاهی آینده حرکت کنیم. ببینید برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور که طرح می‌شود، پنج ساله است. چرا که افق پنج‌سال بیشتر را خیلی روشن نمی‌توان دید. به همین لحاظ باید با یک افق زمانی موجهی به این مسایل جمعیتی نیز توجه کنیم.

هم اکنون جمعیت ایران به حدود ۷۸ میلیون نفر رسیده است. از زمان برگزاری نخستین سرشماری کشور در سال ۱۳۲۵ تاکنون به‌طور متوسط هر سال یک میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده شده و این روند با رشد سالانه‌ی ۱٫۳ درصد جمعیت در سال ۱۳۹۱ همچنان ادامه داشته است.

طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۱ تعداد موالید بیش از یک میلیون و چهارصد هزار نفر و تعداد فوت‌شدگان کم‌تر از ۴۰۰ هزار نفر بوده و بدین ترتیب، در این سال بیش از یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده است. این روندی است که لااقل تا پایان دهه ۱۳۹۰ کماکان ادامه داشته است و در آستانه ورود به قرن پانزدهم هجری شمسی جمعیت ایران به رقمی بیش از ۸۵ میلیون نفر خواهد رسید.

بدین ترتیب، در حال حاضر از نقطه‌نظر تعداد و میزان رشد جمعیت، وضعیت مطلوب است؛ از نقطه‌نظر ساختار سنی جمعیت هم، کشور در مرحله فرصت طلایی جمعیتی و یا پنجره‌ی جمعیتی قرار گرفته و بیش از ۷۰ درصد جمعیت در سنین فعالیت یعنی ۱۵ تا ۶۴ سالگی قرار گرفته‌اند و این وضعیت تا چند دهه استمرار خواهد داشت. پنجره جمعیتی حدود سه دهه استمرار

می‌یابد و پس از آن جمعیت در اصطلاح جمعیت‌شناسی به وضعیت سالخوردگی می‌رسد. باید قدر این فرصت طلایی را دانست و با برنامه‌ریزی صحیح از آن استفاده کرد. بنابراین ما در مقطع فعلی در یک وضعیت جمعیتی امیدبخشی قرار داریم.

پس به اعتقاد شما چالشی که ما امروز در بحث جمعیت داریم، چیست؟

پنجد یک نکته دغدغه‌انگیز در مباحث جمعیتی این است که فرزندآوری و تمایل به فرزندآوری کاهش پیدا کرده و سطح زاد و ولد و باروری به زیر سطح جانشینی رسیده است که این می‌تواند یک معضل باشد. البته پیامد این معضل چیزی نیست که الان دامن گیر ما

**فرزندآوری و تمایل به فرزندآوری
کاهش پیدا کرده و سطح زاد و ولد و
باروری به زیر سطح جانشینی رسیده
است که این می‌تواند یک معضل
باشد**

باشد ولی اگر در این زمینه چاره‌اندیشی نشود و ما باروری را از زیر سطح جانشینی بالا نیاوریم، در سی تا چهل سال آینده با مشکلاتی مواجه خواهیم شد. بنابراین در یک دید آینده‌نگر، این تنها جنبه‌ای است که از نظر جمعیتی باید نسبت به آن حساسیت نشان دهیم و آن را آسیب‌شناسی کنیم. باید برای این عدم تمایل به فرزندآوری کاری کنیم؛ چرا که در حال حاضر نرم فرزندآوری به یک یا دو بچه رسیده که این خیلی کم است و اگر به دو تا سه بچه برسد، دیگر در آینده مشکلی نخواهیم داشت. پس آینده‌نگری ایجاب می‌کند تلاش شود که معیار فرزندخواهی به بالای سطح جانشینی برسد تا در درازمدت مشکل رشد صفر یا منفی پیش نیاید.

این مشکل چگونه به وجود آمده است؟

تأملات مربوط به فرزندخواهی به مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط

می‌شود که می‌توان عنوان تغییر در سبک زندگی و ذهنیت زوجین را به آن نسبت داد. واقعیت قضیه این است که در بستر توسعه اقتصادی و اجتماعی دو قرن اخیر، به‌طور فزاینده‌ای شانس و احتمال بقای نوزادان و اطفال افزایش یافته و تغییر در سبک زندگی نیز در کنار این موضوع به وجود آمده است و پیامد چنین تغییراتی این بوده که خانواده‌ها زادوولد خود را تقلیل داده‌اند.

شما چه راهکاری را برای ارتقای نرخ باروری پیشنهاد می‌دهید؟

اساسی‌ترین راهکار برای نیل به چنین هدفی باید زمینه‌سازی برای ازدواج جوانان باشد. متأسفانه میانگین سن ازدواج در دو دهه‌ی اخیر رو به افزایش بوده و در حال حاضر برای مردان و زنان به ترتیب به حدود ۲۸ و ۲۴ سال رسیده است. چنانچه، سن ازدواج زنان دو سال کاهش یابد و از ۲۴ سال به ۲۲ سال برسد، می‌توان امیدوار بود که باروری به بالای سطح جانشینی ارتقا یابد. البته همان‌طوری که گفته شد، در سطح خرد تصمیم به فرزندآوری منوط به خواست زوجین است ولی در سطح کلان وظیفه جامعه، دولت و دستگاه‌های برنامه‌ریزی این است که در تنظیم تعداد فرزندان به آنها کمک کنند و با زمینه‌سازی‌های فرهنگی و تسهیل ازدواج جوانان تلاش شود باروری از ورطه باروری زیر سطح جانشینی خارج شود و به دو تا سه فرزند برای هر خانواده برسد.

در حال حاضر، کشور ما از نقطه نظر تعداد جمعیت، میزان و رشد سالانه و ساختار سنی در وضعیت مطلوب و مناسبی قرار دارد و چالش اصلی، شتاب کاهش باروری در دو دهه اخیر بوده است. چنین شتابی منجر به رسیدن باروری به کم‌تر از سطح جانشینی؛ یعنی میزان باروری کل کم‌تر از ۲٫۱ فرزند شده است که در این زمینه باید برنامه‌ریزی و تسهیلات لازم به کار گرفته شود. ببینید چالش کنونی جمعیت ایران جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله هستند که یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و نیاز به شغل، مسکن و ازدواج دارند و باید سازمان‌ها، مراکز برنامه ریزی و دولتمردان به‌طور جدی این گروه خاص را مدنظر قرار دهند.



افراخوان ایران جوان، با موضوع ضرورت افزایش جمعیت

«پوستر انقلابی، انقلاب پوستر»

«هم قبل ترها و حتی همین الان، سیدمحمد رضا میری»
خیلی ها فکر می کردند پسوند انقلاب برای نهضت پوستر، این حرکت را به شدت محدود خواهد کرد. شاید برخی گمان داشتند پوستر انقلابی پوستر است که در آن مشت و خون و پرچم و... استفاده می شود و کارایی اش در ایامی مانند دهه فجر و هفته دفاع مقدس و ۹ دی منحصر خواهد بود. اما محصولات و نتایج حاصله از تلاش این روزهای نهضت، چهره دیگری نشان داده است.



رسیدن به محصول مناسب کوتاه می کنند و این، یکی از مهمترین نقاط بروز کار تیمی هم افزا در نهضت است. طراحان البته شیوه های خودشان را در ایده پردازی تصویری دارند. گاه فرادا به اقامه پوستر می پردازند و برای سایت نهضت می فرستند تا به مردم اهدا شود و یاد قابل کارگاه هایی به جماعت پوستر تولید می کنند.

این کارگاه ها که با کمترین امکانات ولی با بلندترین همت ها و حضور بزرگترین اساتید برگزار می شوند، قرار است چند نقش را یک جا ایفا کنند از تولید محصول گرفته تا آموزش و ارتقاء سطح فنی و استحکام شبکه طراحان.

ایران جوان بماند

ذیل فراخوان ایران جوان نیز قرار است چند کارگاه برگزار شود. یک کارگاه در مشهد با حضور خواهران طراح مشهدی و یک کارگاه در تهران با حضور طراحان برگزیده نهضت از هفت استان کشور و اساتید کشوری گرافیک. این، اولین کارگاه کشوری نهضت است. کارگاهی که بناست باز هم مردمی برگزار شود و حاصل آن تقدیم مردم گردد.

البته چرخه کاری نهضت به اینجا ختم نمی شود. اقامه جماعت هنوز ادامه دارد. در نگاه ما، پوستر وقتی طراحی می شود، هنوز در میانه مسیر سلوک خود قرار دارد. و این سلوک که از لبان رهبری آغاز شده و از آینده و ادبیات و طراحی گذشته، آنجایی ختم می شود که به دست مردم برسد. بخشی از فعالان نهضت در سراسر کشور، همین نقش را برعهده دارند. از کسانی که در فضای مجازی به ترویج این آثار می پردازند تا کسانی که در فضای حقیقی بانی چاپ و توزیع و اکران آن می شوند.

بناست در ماه پایانی امسال و آغاز بهار، محصولات فراخوان و کارگاه کشوری ایران جوان، در همین شبکه توزیع مردمی در سراسر کشور توزیع شود و در قالب های مختلف اکران و در مقابل چشم مردم قرار گیرد.

این البته شاید بخاطر محدودیت بضاعت نهضت، پایان برنامه برای این موضوع باشد اما هر کدام از شما فعالان و دلسوزان که به این چرخه توزیع پیوندید، قدمی برداشتاید تا پیامی از پیام های ولی امر را با زبان هنر به مردم برسانید. ■

وبلاگ نهضت را می توانید در این آدرس ببینید:
<http://postermovement.ir/index.php>

تهدیدکننده هاست

از نظر ما در موضوع کاهش جمعیت، تهدید همان فرهنگ رفاه برای رفاه و بی مسئولیتی نسبت به آینده است و این تهدید تهدیدگری دارد که همان غرب و سبک زندگی آن است در نسیتی مستقیم با دوری ما از آموزه های اجتماعی دینمان.

مادر نهضت مردمی پوستر انقلاب

سندی داریم و وقتی نمی دانیم

چه درست است و چه غلط، به آن

رجوع می کنیم. آن سند چیزی نیست

جز پیام تاریخی امام راحل (ره) به

هنرمندان

پس قرار نیست نهضت در پوسترهایش فقط تبلیغ کند که فرزند زیاد خوب است و همین و بس. امروزه خانواده های ما سوالات مهمی برای فرزند آوردن در ذهن خود دارند. امرار معاش و تأمین شرایط مطلوب تربیتی دوتا از بزرگترین این چالش هاست. خانواده های ما بر اساس هزار و یک گزاره که طی دو دهه گذشته به آنها تحمیل شده، به این جمع بندی قطعی رسیده اند که فرزند کمتر زندگی بهتری را به دنبال خواهد داشت.

این جاست که هنرمندان انقلابی باید قبل از آنکه بخواهد با شگردهای تبلیغاتی یک اثر چشم پُر کن بیافریند و سعی کند فقط یک حس خوب را به مخاطب خود منتقل کند، به دنبال این است که پاسخ همین سوالات را بیابد و به مردمش عرضه نماید. او باید سعی کند معنای زندگی بهتر را دوباره برای مردم بازتعریف نماید و همین جا نقطه آغاز تولد یک پوستر در نهضت است.

پوستر به جماعت

موضوعات فراخوان ایران جوان، اصولاً همین جا و از همین سوالات آغاز می شود. در روش ما که البته ممکن است بسیاری بر آن نقد هم داشته باشند، چرخه تولید از موضوع، محتوای آن و سپس ادبیات آغاز می شود.

در واقع اولین کسانی که یا علی می گویند، بچه های ایده پرداز و ادبیات ساز ما هستند که معمولاً بیشترین نقش و کمترین نام و نشان را دارند. ادبیات، جملات و شعارها مانند میان برهایی هستند که راه طراح را برای

ما در نهضت مردمی پوستر انقلاب سندی داریم که سعی می کنیم بر اساس آن حرکت کنیم و وقتی نمی دانیم چه درست است و چه غلط، به آن رجوع می کنیم. آن سند چیزی نیست جز پیام تاریخی امام راحل (ره) به هنرمندان. در این پیام رفیع دو جواب برای این سوال پیدامی کنیم.

اول اینکه حضرت روح الله ابداً نفرموده اند کار انقلابی را زیرپوستی و نرم در زیر یک پوشش هنری انجام دهید، بلکه از سرپای پیامشان می بارد که باید هنر تمام قد و با همه قوایش در خدمت انقلاب قرار گیرد و در این میان جای هیچ تعارف و شک و یکی به نعل و یکی به میخ نیست.

و دوم اینکه حضرتش هنر و هنرمند انقلابی را به رسالتی مفتخر کرده است که اگر درست درک می شود، همه هنرمندان برای کسب این افتخار سر و دست می شکستند و غیر هنرمندان غبطه آن را می خوردند. این رسالت چیزی است که به فرموده امام راحل، همه کارشناسان و رجال و صاحب منصبان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی به آن محتاجند و آن نشان دادن نقاط کور و مبهم هر یک از این وادی هاست. عجیب است که در نگاه آن امام فرزانه تا هنر و هنرمند انقلابی نباشد، اصولاً نقاط کور و مبهم دیده نمی شوند تا بخواهند چاره شوند.

پس نهضت مردمی پوستر انقلاب، اتفاقاً به شأن انقلابی اش، وظیفه خود می بیند تا پوسترهایی که سال هاست دچار تکرار مکرراتی از انقلاب شده اند را رها سازد و به عرصه های اجتماعی نیز حضور پیدا کند و به دنبال نقاط کور باشد.

تولد یک پوستر

دستان فراخوان ایران جوان، با موضوع ضرورت افزایش جمعیت از همین جا آب می خورد. نهضت بارها در موضوعات مختلف ورود کرده است و اتفاقاً سعی داشته تا از منظری خاص به هر موضوع نگاه کند.

به عنوان مثال در همین موضوع بحران پیری جمعیت، می توان از راه های مختلف وارد شد. نگاهی که به معلول یا خود تهدید توجه می کند. درباره آن حرف می زند و سعی می کند آثار یک تهدید را تغییر دهد. کاری که با پدیده هایی از این دست بسیار شده است و واضح است که توفیق چندانی هم نداشته است. یک قدم پیش تر پرداختن به خود تهدید است و قدم بعدی پرداختن به

حلقه وصل

• ماهنامه فرهنگی تشکیلاتی • سال اول • شماره یازدهم • بهمن ۱۳۹۲



یک گزارش میدانی درباره فرزندآوری

«دوست دارید چه تعداد فرزند داشته باشید؟»

بیش از ۴۵٪ سیمیه سمیعی

درصد زوج‌های تهرانی قصد تک‌فرزندی دارند. این روزها وقتی در جمع دوستان، همکاران، فامیل و حتی در کوچه و بازار با هر دختر و پسر در شرف ازدواج و یا زوج‌هایی که چند سالی از شروع زندگی مشترکشان می‌گذرد و هنوز بچه‌دار نشده‌اند، صحبت می‌کنید، تازه به عمق فاجعه‌ای که کارشناسان از وقوع‌اش طی سال‌های آینده خبر داده‌اند، پی می‌برید؛ وقتی که اکثریت آن‌ها معتقد به داشتن یک فرزند هستند و حتی نداشتن آن را مسئله نمی‌دانند. بعد به خودت می‌آیی و می‌بینی که چقدر دلت برای خواهر و برادر و حتی عمه، عمو، خاله و دایات تنگ شده است. آدم‌هایی که شاید خیلی از بچه‌های امروز و فردا باید به نداشتن آنها عادت کنند. بعد دوباره از خودت می‌پرسی آن‌ها قرار است که دلشان برای چه کسانی تنگ شود؟

بر اساس نتایج تحقیقی که از سوی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه درباره تک‌فرزندی در استان تهران صورت گرفته است، حدود ۳۹ درصد از زنان و مردان در شرف ازدواج، فقط یک فرزند را ایده‌آل دانسته یا ترجیح می‌دهند. اما درصد بیشتری، یعنی ۴۵/۸ درصد، قصد تک‌فرزندی دارند. به هر حال عدم علاقه زوجین به فرزندآوری و نزدیک شدن جمعیت ایران به پیری باعث شده است که هشدارها در مرحله خطر قرار بگیرند و بسیاری از صاحب‌نظران و مسئولان به بررسی عوامل و ارائه راهکار بپردازند. در این بین روی آوردن به سیاست‌های تشویقی که برخی از آن‌ها به صورت کوتاه‌مدت اجرا شد و عملاً نتیجه‌ای به همراه نداشت، برخی هم که قرار است مَهر بلندمدتی بخورد، با توجه به شواهد و نتایج تحقیقات علمی صورت گرفته نتوانسته است که کمک شایانی در این زمینه کند، چراکه تصمیم‌گیران اصلی، یعنی زوجین همچنان بر طبل تمایل به تک‌فرزندی خود می‌کوبند.

درآمد خوبی دارم، اما یک بچه!

آقای مشتاق که تقریباً از خانواده مرفهی است و به تازگی هم ازدواج کرده، در مورد تصمیم‌گیری‌اش

در خصوص تعداد فرزندانی که دوست دارد داشته باشد می‌گوید: «اینکه درآمد خوبی دارم و از پس خرج و مخارج شاید سه الی چهار بچه هم بر می‌آیم اما فکر می‌کنم یک بچه کافی است. وقتی می‌خواستم ازدواج کنم از همسر در این مورد سؤال کردم و او هم با نظر من موافق بود. البته من بچه‌ها را دوست دارم اما فکر می‌کنم که عصر حاضر دنیای تغییرات بزرگ است و اینکه ما فقط یک بچه داشته باشیم از الزامات این تغییر است. الان هم نزدیک به دو سال است که ازدواج کرده‌ایم، خیلی با هم خوشبخت هستیم و اصلاً جای خالی هیچ بچه‌ای را هم احساس نمی‌کنیم. آخه قدیمی‌ها می‌گویند که بچه شیرینی زندگی است اما این نگاه هم به نظر من باید عوض شود، چون در این زمانه حتی شیرینی خوردن هم آداب خودش را دارد و بعد با لب‌خند می‌گویند که باید مراقب باشی دیابت نگیری».

درس نخواندم که بچه‌داری کنم

خانم کریمی که فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان است و به قول خودش مدافع حقوق زن‌ها، بچه را فقط دست و پاگیر می‌داند و می‌گوید: «فکر نکنید که فقط من این نظر را



از سوی فرزند ما مطرح نشود تصمیم گرفتیم اول شرایط مناسب را برای او فراهم کنیم، بعد او را برای ورود به این دنیا فرا بخوانیم.

یک بچه هم زیاد است

مینا خانم، زن خانه دار میانسالی است که سه فرزند دارد اما از فرزندانش خواسته که تنها یک بار صاحب اولاد شوند. به عقیده این مادر ۵۲ ساله، شرایط اجتماعی و اخلاقی جامعه امروز آنقدر نابسامان است که حتی داشتن یک فرزند هم زیاد است، چه برسد به دو یا چند فرزند.

او که به گفته خودش دو دختر و یک پسرش را با چنگ و دندان بزرگ کرده است، از انحرافات اخلاقی و اجتماعی که این سالها گریبانگیر جامعه ما شده می ترسد و می گوید: اگر می دانستم بزرگ کردن فرزندانم، به خصوص دو دخترم آنقدر سخت است هرگز حاضر نمی شدم صاحب فرزند شوم. البته زمانی که همسر را در سن جوانی از دست دادم، گمان می کنم این سختی ها دو چندان شد چراکه با بزرگ شدن فرزندانم و اینکه گاهی حرف شنوی از من نداشتند، جای خالی همسر را بیشتر احساس می کردم. به هر حال بزرگ کردن فرزندی سالم و به قول معروف صالح در این زمانه کار دشواری است، من که چشم آب نمی خوردم فرزندانم بتوانند بیش از یک فرزند را بزرگ کنند، من هم اصراری به این کار ندارم.

پنج فرزند دارم و خوشحالم

آقای مجیدی که صاحب سوپرمارکت است، از اینکه جمعه ها فرزندان و نوه هایش به خانه او می آیند و دور هم جمع می شوند، بسیار ابراز خرسندی می کند و معتقد است: گاهی بعضی از دوستان و آشنایانی که تنها یک یا دو فرزند داشته اند را تنها و پکر می بینم خدا را شکر می کنم که پنج فرزند سالم و صالح را در شرایط سخت دوران جنگ بزرگ کردم و حالا در پیری نتیجه تحمل آن سختی ها را می بینم. همیشه هم زمانی که دور یک سفره جمع می شویم، به نوه ها و بچه هایم می گویم که چقدر این دوره بودن شیرین و دل چسب است و چقدر آدم تنها به درد نمی خورد.

به گفته این مرد ۶۰ ساله، آن زمان که امکانات و شرایط امروز برای خانواده ها فراهم نبود، معمولاً همه خانواده ها صاحب چهار فرزند و یا بیشتر بودند اما این روزها که همه چیز از ماشین لباسشویی و ظرفشویی گرفته تا غذاساز و سرخ کن وجود دارد من نمی دانم که جوان های ما چرا فکر می کنند که برای بچه داری فرصت ندارند. ساعت شبانه روز که کم و زیاد نشده، زن های آن دوران نه اینکه تمام روز فقط در آشپزخانه بودند، بلکه از خیاطی و گلدوزی گرفته تا شیرینی پزی هم بلد بودند و بعضی از آنها حتی درس هم می خواندند اما جوان امروز چی؟ اکثر کارها که توسط ماشین ها و لوازم برقی انجام می شود اما باز هم می گویند «وقت نداریم، نمی رسم، تربیت یک بچه هم سخت است چه برسد به چندتا بچه».

زن های امروز باید به فکر ظاهرشان باشند

آن زمان که امکانات و شرایط امروز

برای خانواده ها فراهم نبود، معمولاً

همه خانواده ها صاحب چهار فرزند

و یا بیشتر بودند اما این روزها که

همه چیز از ماشین لباسشویی

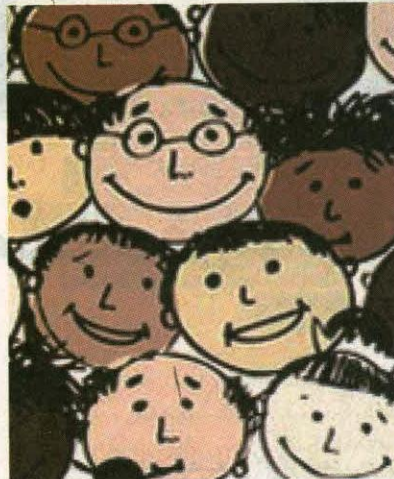
و ظرفشویی گرفته تا غذاساز و

سرخ کن وجود دارد من نمی دانم که

جوان های ما چرا فکر می کنند که برای

بچه داری فرصت ندارند.

بچه دار شویم. البته فکر نکنید خانه و ماشین آنچنانی مدنظر ما است. فقط یک خانه ی نقلی و یک ماشین معمولی. در این چند سالی که ازدواج کرده ایم هر دو کار کردیم و مقداری هم پس انداز داریم. ان شاء الله اگر امسال یا اوایل سال دیگر بتوانیم حداقل خانه ای بخیریم حتماً بچه دار می شویم، البته



فقط یک بچه.

خانم رضایی که همسر آقای شهایی است و ۲۷ سال هم سن دارد، بعد از تأیید صحبت های همسر خود می گوید: بعضی اوقات اطرافیانم به خصوص مادر و مادر شوهرم مدام به من و همسر می گویند خیلی دیر شده، نکنند مشکلی دارید و به ما نمی گویند؟ بعد من و همسر می خندیم و می گوئیم آره یک مشکلی است که با ۴۰، ۵۰ میلیون حل می شود، اگر می توانید کمک کنید!

بعد از آنها می پرسیم شما خودتان در خانواده مرفهی بزرگ شده اید؟ هر دویشان سری تکان می دهند و می گویند به خاطر بعضی از آن سختی هایی که خود ما کشیده ایم، دوست داریم فرزندانمان بدون هیچ سختی و مشکلی بزرگ شود. این حق بچه ها است، چراکه ما برای آمدن آن ها به این دنیا تصمیم گیرنده هستیم. همان طور که شاید خیلی از ما نسل دیروزی ها هم به والدینمان گفته ایم که چرا ما را به دنیا آورده اید. شما که شرایط خوبی نداشتید. پس برای اینکه این گلایه

دارم. خیلی از دوستان و اقوام من هم که به هزار مشقت درس خواندند و به مقاطع عالی تحصیلی رسیدند، همین نظر را دارند. واقعاً این انصاف است که من این همه برای کنکور کارشناسی و کارشناسی ارشد درس بخوانم و از همه تفریحات و حتی دلبستگی هایم بزنم و بعد آخرش ازدواج کنم و بچه دار هم شوم؟ حالا با ازدواج مشکلی ندارم، با یک برنامه ریزی می شود به خیلی از کارهایم برسم اما بچه مسئولیت های خودش را دارد و خیلی از فرصت ها را از من می گیرد.»

او که معتقد است برای بچه دار شدن با این همه پیشرفت هایی که صورت گرفته، دیر نمی شود، از دخترها و زن هایی حرف می زند که به خاطر بچه دار شدن حتی موقعیت شغلی خوبی که داشته اند را از دست داده اند. به اعتقاد خانم کریمی، در شرایط کنونی که فرصت های زیادی برای زنان فراهم شده، تا خودی نشان دهند نباید با تشویق به فرزندآوری آن هم یکی نه، بلکه دو فرزند، این فرصت را از آن ها سلب کرد. باید شرایط برای مادری فراهم شود. فقط مسئله ازدواج نیست.

از بچه دار شدن نباید ترسید

مرضیه خانم، دختری ۲۴ ساله است که همراه با والدین و دو خواهر و دو برادرش در یک خانه اجاره ای زندگی می کنند و به گفته خودش گاهی آنقدر فشار شرایط و سختی ها بر او و خانواده اش زیاد می شود که به مویی می رسد اما هیچ وقت پاره نمی شود چراکه اعتقاد و توکلشان به خداوند زیاد است.

او که سومین فرزند خانواده است می گوید: اگر زمانی ازدواج کنم، حتماً یکی از خواسته هایی که از همسرم خواهم داشت این است که حداقل سه فرزند داشته باشیم. شاید برایتان جالب باشد بدانید زمانی که از این نظراتم برای دوستانم حرف می زنم می خندند و می گویند که نفست از جای گرم بلند می شود، می خوری و می خوابی و همه چیز هم برایت آماده است. فکر می کنی زندگی زناشویی هم همین طوری است؟ بگذار اول ازدواج کنی بعد شما را می بینم. راستش را بخواهید آن ها هیچ کدام از شرایط زندگی ما خبر ندارند و فکر می کنند که من هم مثل خودشان در راحتی و آسایش بزرگ شده ام. البته بگویم که پدر و مادرم خیلی برای ما بچه ها زحمت کشیده اند. شاید گاهی که هجوم مشکلات زیاد می شود، برادرهای کوچک ترم از آن ها گلایه می کنند که چرا این تعداد بچه دارند اما من همیشه شکرگذار هستم که این تعداد خواهر و برادر دارم و می توانم به آنها تکیه کنم. به عقیده من اگر ایمان قلبی به خدا وجود داشته باشد، از بچه دار شدن نباید ترسید چراکه در قرآن آمده است که روزی را خدا می دهد.

اول خانه و ماشین، بعد بچه

آقای شهایی هم ۳۰ سال سن دارد و شش سال است که ازدواج کرده. اما هنوز تصمیم برای فرزندآوری ندارد و از شرایط سخت زندگی های امروز می گوید و معتقد است: من و همسرم تصمیم داریم هر زمانی که صاحب خانه و ماشین شدیم،



تقریباً ۳۲ ساله است، زمانی که مدرک کارشناسی‌اش را در رشته کامپیوتر می‌گیرد، در یک شرکت خصوصی مشغول به کار می‌شود و تا امروز که نزدیک به ۱۰ سال است در آن شرکت کار می‌کند، از شرایط کاری و زندگی‌اش احساس رضایت دارد. البته چهار سالی است که با یکی از کارمندان همان شرکت ازدواج کرده و یک دختر دوساله دارد. وقتی از او می‌پرسیم که قصد نداری فرزند دیگری به دنیا بیاوری به من نگاه می‌کند می‌گوید: از وقتی که در این شرکت مشغول به کار شدم، متوجه شدم که زن امروز برای حضور در اجتماع باید به فکر ظاهرش هم باشد، بعد از اینکه ازدواج کردم و بچه‌دار شدم این تفکر در من قوی‌تر شد. به خصوص زمانی که همسرم برای چگونگی متولد شدن فرزندمان مدام من را سؤال پیچ می‌کرد و می‌گفت مراقب باش ظاهرش خراب نشود.

به گفته این زن: زمانه چندبار باردار شدن و شکم بزرگ داشتن و چین و چروک در ظاهر بدن خیلی وقت است که گذشته است. این روزها این مسائل نه تنها برای خود زن‌ها خیلی مهم شده بلکه برای مردها نیز اهمیت دارد. بعضی وقت‌ها که چروکی بین ابروهایم می‌بینم، از اینکه نکند شوهرم به زن‌های دیگر نگاه کند، کلی نگران می‌شوم. حالا تصور کنید من با این حساسیت‌ها دوباره صاحب یک بچه دیگر هم شوم، فکر کنم از افسردگی بمیرم!

خواهر و برادرهای چه گلی به سر ما زدند؟

زهره خانم که مادر دو فرزند دختر است می‌گوید: ای کاش زمانه مثل قدیم‌ها بود. آن وقت‌ها خواهر و برادرها که چه عرض کنم، حتی اقوام هم جانشان را برای هم می‌دادند اما امروز چطور؟! گاهی وقت‌ها که به شوهرم می‌گویم خوب است که یک فرزند دیگر داشته باشیم که بچه‌هایمان بعد از ما خیلی تنها نباشند، به من می‌گوید که خواهر و برادرهای ما مگر چه گلی به سر ما زدند که این‌ها می‌خواهند به سر هم بزنند، ما که از نسل قدیمی‌تر هستیم این حال و روزمان است، وای به حال بچه‌های امروز و فردا.

همسر من در یک خانواده‌ی تقریباً پر جمعیت بزرگ شده، شش تا فرزند بوده‌اند که با والدینشان می‌شدند هشت نفر اما در این چند سال ما به جز مادرشوهر و پدرشوهرم که هر چند وقت یکبار آنها را زیارت می‌کنیم، باقی اعضای خانواده را ندیده‌ایم. البته اگر راستش را بخوایم بگویم فقط عید دو سال پیش که عروسی پسر برادر شوهرم بود، همگی همدیگر را دیدیم. به همین خاطر شوهرم می‌گوید اگر خواهر و برادری بخواهند پشت هم باشند و هوای همدیگر را داشته باشند، به دوتا و چند تا نیست.

بیش‌تر از دو بچه بی‌کلاسی است!

آقای صادقی در یک بوتیک لباس در یک مجتمع تجاری کار می‌کند و درآمد تقریباً خوبی هم دارد. او که هنوز تصمیم نگرفته ازدواج کند، در مورد تعداد بچه‌هایی که دوست دارد داشته باشد می‌گوید: ما خودمان یک خانواده پنج نفره هستیم، یعنی من

به همراه دو برادر و والدینم. اما فکر می‌کنم در این دوره زمانه داشتن یک بچه یا نهایتاً دو بچه کافی باشد و بیشتر از آن جدای از مباحث اقتصادی و اجتماعی به نظرم بی‌کلاسی باشد. تازه نگاه کنید واقعاً بچه‌هایی که یک دانه هستند خیلی باکلاس به نظر می‌رسند.

به گفته این فروشنده جوان: زمانی که می‌بینم مثلاً یک خانواده به همراه سه فرزند و یا بیشتر وارد مغازه می‌شوند که لباسی خریداری کنند، با



بعضی اوقات اطرافیانم به خصوص مادر و مادر شوهرم مدام به من و همسرم می‌گویند خیلی دیر شده، نکند مشکلی دارید و به ما نمی‌گویید؟ بعد من و همسرم می‌خندیم و می‌گوییم آره یک مشکلی است که با ۵۰۴۰ میلیون حل می‌شود، اگر می‌توانید کمک کنید!

اینکه ظاهر خوبی هم شاید داشته باشند اما خیلی خنده‌دار و حتی زشت به نظر می‌رسد. انگار تمام پاساژ به آن‌ها نگاه می‌کنند و این برایشان خیلی عجیب است و من اصلاً دوست ندارم در نظر مردم یک آدم بی‌کلاس یا بی‌فرهنگ جلوه کنم. بالاخره از قدیم گفتن عقل مردم به چشمشان است. اگر زمانی هم قصد داشته باشم که ازدواج کنم حتماً از خانواده‌ای دختر انتخاب می‌کنم که کم جمعیت باشند چون الآن یکی یک‌دانه بودن خیلی باکلاس است. شاید خیلی‌ها در ظاهر به من بگویند که دیگر خیلی داری سخت می‌گیری اما وقتی به زندگی شخصی آن‌ها نگاه می‌کنم می‌بینم که آن‌ها هم همین‌طور عمل کرده‌اند. یعنی با بچه زیاد داشتن و وصلت با خانواده پرجمعیت موافق نیستند اما دلایلشان کمی فرق می‌کند.

شاید نتوانم خوب تربیت کنم

خانم جعفری نیز که تحصیلات حوزوی دارد و به اصطلاح از قشر مذهبی جامعه است، در این خصوص با ما گفت و گوی کوتاهی داشت و از نگرانی‌هایش برای تربیت فرزندان زیاد گفت. من با اینکه معتقد هستم باید جدای از بحث پیری جمعیت، در این زمینه قدری هم بر روی ارزش‌های دینی جامعه کار شود اما گاهی با دیدن برخی مسائل اجتماعی و فرهنگی فکر می‌کنم که چگونه می‌توانم فرزند سالم و صالحی را تربیت کنم چراکه مطمئنم او که قرار نیست تمام دوران کودکی، نوجوانی و یا جوانی خود را درون خانواده بگذراند تا خیال من از این جهت که خانواده سالمی هستیم جمع باشد. در هر حال گاهی فکر می‌کنم که کیفیت را نباید فدای کمیت کرد، یعنی خوب است که یک یا نهایتاً دو فرزند سالم، صالح، با ایمان و دانا تربیت کنیم تا چند فرزند که معلوم نیست چگونه با این شرایط درست رشد خواهند کرد.

وی که به گفته خودش گاهی هم دچار سردرگمی می‌شود و با شنیدن برخی از آیات و روایات و سخن بزرگان نمی‌داند که باید چه کار کند، از دو راهی حرف می‌زند که معتقد است شاید خیلی‌ها مثل او بر سر آن گیر کرده باشند. او که ۳۰ سال را پشت سر گذاشته و تنها یک فرزند دارد، نگران این است که نتواند تصمیم درستی بگیرد. گرچه می‌گوید که همسرش نظرات متفاوتی دارد و معتقد است که زمانه تغییر کرده است، سرشت و فطرت آدم‌ها که دستخوش تغییر نشده و در این زمانه هم می‌توان فرزند خوب و سالمی تربیت کرد اما نکته مهم این است که ما چقدر می‌توانیم برای این مهم یعنی تربیت فرزندانمان وقت بگذاریم، اگر قرار باشد مادر خانواده هم در کنار پدر ساعات زیادی را بیرون از خانه کار کند و در آخر خسته و عصبی به منزل برگردد، مسلماً تربیت یک فرزند هم کار ساده‌ای نخواهد بود، چه برسد به چند فرزند اما اگر مادر، فرصت کافی برای مادری کردن و پدر هم فرصت کافی برای پدری کردن داشته باشد، آن وقت مثل زمان‌های قدیم که هر خانواده چند فرزند صالح و مؤمن تحویل جامعه می‌داد، ما هم می‌توانیم از عهده این امر برآییم.

نگاه شما نسبت به فرزندآوری در مقایسه با گذشته چه تغییری کرده است؟

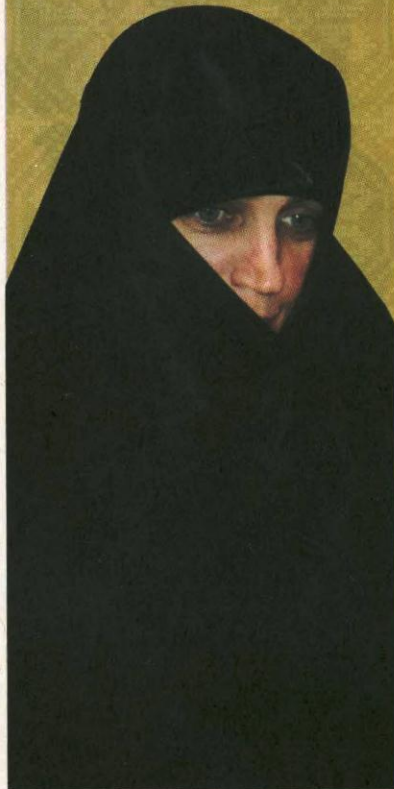
تفاوتی نکرده است، چون همیشه به این اعتقاد داشتم که وقتی خدا فرزندى به انسان می‌دهد، روزی آن را نیز می‌دهد. دغدغه‌ی تربیت را داشتم که به کمک همسرم حلش می‌کردیم. من اصلاً مسائل اقتصادی در رابطه با فرزنددار شدن برایم مهم نبوده و نیست؛ در قرآن هم آمده که «فرزندانتان را به خاطر روزی نگشاید. چون ما، هم روزی شما را می‌دهیم، هم روزی فرزندانتان را!» انعام/۱۵۱ این آیه به این مربوط می‌شود که امروزه متأسفانه بعضی افراد بچه خود را سقط می‌کنند، در حالی که قرآن والدین را از این امر بسیار نهی کرده است.

اگر به سی سال قبل برگردید، باز هم حاضرید پنج تا بچه به دنیا آورید؟

بله، اتفاقاً با گذشت زمان، وقتی بزرگ شدن فرزندان و کمک خدا را در زندگیم دیدم، تازه نگاهم وسیع‌تر شد و فهمیدم که من باید بهتر به وظایفم عمل کنم. از طرفی هم وقتی رهبری بر افزایش جمعیت تأکید می‌کنند، یعنی این مسأله را ضرورت دانسته‌اند و ما باید به حرف ایشان گوش فرا دهیم و از آن اطاعت کنیم. در واقع وقتی به حرف خدا و رهبرمان گوش دهیم، مسلماً خدا هدایتمان می‌کند. خدا راه‌ها را باز می‌کند. مثلاً من کسی را می‌شناسم که یک فرزند دارد ولی همان تنها فرزندش گمراه شده! این که والدین فکر می‌کنند اگر فرزند کمتر داشته باشند، بهتر می‌توانند هدایت و تربیتش کنند، همیشه این‌طور نیست. باید والدین وظیفه‌ای که خدا برایشان تعیین کرده را به خوبی انجام دهند، یعنی خودشان اول بندگی خدا را کنند، سپس، اطاعت از رهبر، اطاعت از همسر و خوب فرزندداری کردن نیز در پی زندگیشان می‌آید و همه چیز خوب پیش می‌رود. درست است در مسیر زندگی مشکلاتی هم هست ولی وقتی انسان هر چه بیشتر با این مشکلات روبرو می‌شود، حسش نسبت به خدا بیشتر می‌شود و می‌بیند که در این مشکلات اتفاقاً مقدر به خدا نزدیک شده، پس در اول و آخر اگر والدین، خدا را در نظر بگیرند و به راز خلقت و وظایف خود فکر کنند و طبق وظیفه‌ای که خدا گفته پیش بروند، مطمئناً موفق می‌شوند.

یعنی دلیل اقتصاد نامناسبی که برخی از جوانان ذکر می‌کنند را قبول ندارید؟

بله، من اصلاً قبول ندارم چون آن وقت‌ها نیز درآمدها عموماً کم بود، این‌طور نبود که آن موقع شرایط خیلی بهتر باشد. من و همسرم زندگیمان را در یک اتاق شروع کردیم ولی الان زوجها یک زندگی مستقل و با امکانات را انتخاب می‌کنند، وقتی به گذشته‌ها نگاه می‌کنیم می‌بینیم عروس و داماد حتی در نزدیکی خانواده شوهر بودند و حتی خانواده داماد از آن‌ها حمایت مالی می‌کردند تا حتی نوه‌هایشان کمی بزرگ‌تر شوند و زوجین بتوانند وضعیت مالی بهتر و مستقلی داشته باشند. چرا می‌گویند در گذشته راحتی بوده و الان سختی زیاد شده؟! به نظر من اتفاقاً الان پول فراوان است، فقط مردم تجملاتشان خیلی زیاد شده، یک مشکل زیاد



«چرا بچه آوردن دیگر رحمت نیست؟»

اما اگر به این فکر کنیم مشکلات سخاوتی

که فرزند نیاوریم و فقط به فکر پیشرفت خودمان باشیم، به کار بیرون پردازی و از خانواده‌مان دور باشیم، خیلی معلوم نیست که بتوانیم به آرامش و خوشبختی هم برسیم! خوشبختی واقعی، درک وجود خدا در زندگی است.

همه جمع شده بودیم منزل عموجان، حسابی شلوغ شده بود خونه‌شون، قهقهه‌های آقایون سر کرکری‌های فوتبالی، گریه بچه‌های کوچیک سر دعوهاشون توی بازی، درد و دل خانوما که هیچ‌وقت تمومی نداره... این وسط من همش حواسم به نصیحت‌های زن‌عموم به خانومای جوون فامیل بود، که حسابی حرفاشونم سر این که چرا جوونای امروز بچه نمی‌خوان، چرا انقدر جونشون عزیز شده، گل کرده بود...

راستی شما چی فکر می‌کنید؟ به خاطر خرج و مخارج زندگیتونه که قید چند فرزندى رو زدن؟ یا نه، ترس از تربیتش و عوض شدن بافت فرهنگی جامعه دارید؟

شاید دوست دارید راحت‌تر به کارهای روزمره خودتون برسین و به قول خودتون در پی پیمودن پله‌های ترقی هستین!

همین صحبت‌های خودمونی اونروز و سوال‌هایی که توی ذهنم تلمبار شده بود، منو ترغیب کرد که برم سراغ یه خانومی که چند تا فرزند داره و ازش بپرسم: «چرا نگاه شما و هم‌نسل‌های شما نسبت به بچه‌دار شدن، با نگاه خانوم‌های امروزی فرق داره؟» شماره رو گرفتیم، جالبه بلافاصله بعد از خوردن زنگ دوم، گوشی رو برداشتن و من با انرژی داشتم از موضوع بحثمون براشون می‌گفتم که یک دفعه با یه مکث کوتاه، آرام خندیدند و گفتند: اگه سوالی دارین بفرمایین.

قبل از این که مصاحبه رو بخونید، یه کم از مصاحبه‌شونده‌بدونیدبد نیست:

منصوره پناهیان، ۴۶ ساله، که ۳۱ سال پیش، یعنی در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده و حاصل زندگیش ۵ فرزند، یک دختر و ۴ پسر. اولین فرزندش که در حال حاضر پسری ۲۹ ساله است، رو در سن ۱۷ سالگی به دنیا آورده و آخرین فرزندش هم ۱۴ سال سن داره.

جوانان این است که فکر می‌کنند باید همه چیز را برای بچه فراهم کنند، بچه را به بهترین کلاس‌ها بفرستند و بهترین شرایط را برای فرزندشان فراهم کنند، اینها عیب است. در حالی که می‌بینیم این‌طور نیست، گاهی شرایط جامعه، شیوه تربیتی ما را تحت تاثیر قرار داده و باعث می‌شود نتوانیم آن‌طور که می‌خواهیم فرزندانمان را تربیت کنیم. در این‌جا باز به همان اصل اول یعنی هدایت خداوند و عمل کردن به وظایفی که خدا بر عهده‌مان گذاشته برمی‌گردیم.

۴ فرزندان‌تان را به فرزند بیشتر داشتن توصیه می‌کنید؟

من همیشه به آن‌ها توصیه می‌کنم که باید فرزندان زیادی بیاورند چون من عینا در درون زندگیم می‌بینم که خدا کمک و هدایت‌مان می‌کند و روزیمان می‌دهد و نهایتا روزیمان با خداست.

۴ برخی خانم‌ها علت بی‌علاقگی‌شان به فرزندان را پیر شدن و از بین رفتن زیبایی‌های فیزیکی خود عنوان می‌کنند، مادران گذشته همچنین دغدغه‌هایی نداشتند؟

من کسی را می‌شناسم که یک فرزند

دارد ولی همان تنها فرزندش گمراه

شده! این‌که والدین فکر می‌کنند

اگر فرزند کمتر داشته باشند، بهتر

می‌توانند هدایت و تربیتش کنند.

همیشه این‌طور نیست

انسان هر چه به سمت دنیا برود، معیارهای دنیوی او را بیشتر به سمت خود می‌کشاند! در دوران ما بحث‌های معنوی و اعتقادی مطرح بود و دغدغه‌هایمان کلاس‌های دینی بود تا توجه به مسائل ظاهری و زیبایی شناختی. من در گذشته اصلا به این مساله توجه نمی‌کردم. البته امروزه با افزایش آگاهی مردم و توصیه‌های ورزشی مثلا رفتن به استخر و انجام نرمش‌های خاص و... بسیاری از دغدغه‌های زنان در این رابطه نیز قابل رفع است.

۴ گاهی جوانان وجود فرزند را مانع پیشرفت تحصیلی خود می‌دانند، شما چقدر این نگاه را می‌پذیرید؟

از نگاه من این مساله هم باز به اعتقاد به خدا بازمی‌گردد. من قبل از ازدواج تا سوم راهنمایی خوانده بودم ولی حالا لیسانس روانشناسی دارم و در طول زندگی ادامه تحصیل دادم، اصلا بچه‌ها مانع پیشرفت من نشدند. اگر نیت ما برای درس خواندن و پیشرفت کردن الهی و هدفمان خدمت به خلق و کشورمان باشد، خدا خودش ما را هدایت می‌کند و راه‌های پیشرفت را باز می‌کند. از نظر من انسان می‌تواند علاوه بر این‌که خوب فرزندداری، همسر داری و خانه‌داری کند، در فعالیت‌های اجتماعی هم به پیشرفت برسد، اگر نیتمان خدایی باشد در هر کاری مسلما کمک خدا را می‌بینیم. البته این پیشرفت شاید زود حاصل نشود و کمی طول

بکشد، مثلا والدین باید صبر کنند که فرزندان به شرایط سنی و تحصیلی بهتری برسند تا خودشان نیز بتوانند به پیشرفت خود ادامه دهند، یا مثلا ساعتی که فرزند در منزل نیست، مادر و پدر در بیرون فعالیت کنند و زمانی که فرزند در خانه است در کنارهم باشند، البته این برنامه‌ریزی و تنظیم کردن کمی سختی دارد ولی این سختی دلیلی برای بچه‌دار نشدن نیست. من مادرانی را می‌شناسم که با وجود شرایط تحصیلی و کاری، هم همسرانشان از آن‌ها راضی‌ند و هم فرزندان‌شان!

۴ تا چه اندازه فرزندان‌تان را برای رسیدن به موفقیت در موقعیت‌های تحصیلی و اجتماعی تشویق و هدایت کرده‌اید؟

فرزندان معمولا والدین خود را الگو قرار می‌دهند، خیلی وقت‌ها نیاز به حرف‌زدن و نصیحت کردن بچه‌ها نیست، بچه‌ها از عملکرد ما متوجه می‌شوند که چطور رفتار کنند، اگر والدین

نیست که بتوانیم به آرامش و خوشبختی هم برسیم! خوشبختی واقعی، درک وجود خدا در زندگی است. این‌که این را ما درک کنیم که یک ذره هم نیستیم و خداست همه زندگی ما را هدایت و نظارت می‌کند، مساله بسیار مهمی می‌باشد.

۴ پس از نظر شما بیشترین دغدغه جوانان برای فرزند کم داشتن، چیست؟

والدین امروز دوست دارند همه چیز برای بچه فراهم باشد و فکر می‌کنند آن‌ها هستند که می‌توانند در مورد همه چیز برای بچه برنامه‌ریزی کنند. من احساس می‌کنم توجه به خدا در زندگیشان کم‌رنگ شده، زیرا اگر به این فکر کنند که خداوند است که روزی بچه را می‌دهد و خدا خودش هدایت می‌کند، با این اعتقاد دیگر نگرانی‌ای وجود ندارد. بنابراین چون خودشان را در رأس همه چیز قرار می‌دهند، چنین نگاه اشتباهی هم پیدا می‌کنند. خداوند می‌گوید که مطیع همسر باشید، بنابراین اطاعت از فرمان خدا



ما را در ناملایمات کمک می‌کند. در این مدت از زندگی مشترک، من خیلی موقع‌ها دیدم که خدا راه را برایمان باز کرده و دایما راهنماییمان می‌کند.

از طرفی والدین فرزندآوری را باعث عدم پیشرفت خود می‌دانند و احساس می‌کنند که بچه‌ها مانع پیشرفت و ارتقاء اقتصادیشان هستند و نمی‌توانند به رفاهی که مدنظرشان است برسند، به نظر من نیاز به زمان هست و شاید دیگران باید در این زمینه جوانان را بیشتر راهنمایی و هدایت کنند. ضمن این‌که هر یک از والدین بنابر اعتقادشان یا این مساله برخورد می‌کنند.

از طرفی فکر می‌کنم برخی اطلاعات زوجین نسبت به فرزندار شدن پایین است، یعنی نیاز به این است که نسبت به این مساله بیشتر آگاه‌سازی و اطلاع رسانی شود تا افراد نگاه بهتر و روشن‌تری پیدا کنند زیرا یکی از مزایای چند فرزندی این است که فرزندان می‌توانند پشتوانه محکمی خصوصا در سنین سالمندی برای والدین خود باشند.



ایجادگاه نظام تعلیم و تربیت در سیاست گذاری حوزه جمعیت

« داریم پیر می شویم! »

آرمان اصلی انقلاب اسلامی، تحقق **گروه تعلیم و تربیت مرکز مطالعات راهبردی زنان و خانواده**

تمدن اسلامی است تا در سایه آن، توحید در تمام ابعاد حیات انسانی ظهور کند و زمینه سازی برای تشکیل حکومت جهانی حضرت حجت (عج) و نظام جهانی اسلام فراهم شود. این مهم نیازمند تولید نرم افزار و سخت افزارهای دینی در تمام ابعاد حیات فردی و اجتماعی توسط نیروهای انقلابی است. به همین دلیل یکی از مهمترین راهبردها در تحقق این آرمان، تولید و تربیت نسلی است که دارای تولی حداکثری به ولایت الهیه و تبری حداکثری از ولایت طاغوت باشند تا بتوانند این آرمان ها را جهانی سازند و سایر ملل را از بند طاغوت نجات دهند.

جامعه نظیر حاکمیت الگوهای توسعه غربی در جامعه (ساختارهایی که با ارزش های خانواده همسو نیستند و نوعی رفاه حداکثری در زندگی را تبلیغ و ترویج می نمایند)

۲. غلبه فضای رسانه ای و ماهواره ای غرب
۳. مناسبات بازار و اقتصاد جهانی (که مصرف گرایی به عنوان موتور فعالیت آن مطرح می باشد)

هر یک از مولفه های مذکور در تغییر سبک زندگی و در نتیجه تغییر ذائقه مردم و تسلط گفتن فردگرایانه و مصرف گرایی نقش بسزایی داشته اند. در این نوع سبک زندگی عقلانیت جدیدی تولید می شود که با مبانی اسلام متفاوت بوده و داشتن فرزند کمتر را راهی برای زندگی بهتر می داند. در چنین فضایی است که بسیاری از نقش های زنان و مردان در خانواده و اجتماع استحاله شده و در نتیجه آن، زنان احساس عدم رضایت از نقش هایی چون مادری و همسری داشته و مردان نیز از داشتن مسئولیت، تعهد و غیرت شانه خالی می کنند. لذا نظام خانواده استحکام خود را از دست خواهد داد. البته ناگفته نماند که سیاست های تحدید جمعیت کشور نیز در امر کاهش جمعیت موثر بوده است اما به نظر می رسد مولفه های فوق از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

نقش راهبردی نظام تعلیم و تربیت در مقابل حمله های وسیع و گسترده نظام فکری غرب در جهت تغییر سبک زندگی جامعه اسلامی را می توان در ذیل راهبردهای خاصی تبیین نمود:

تقویت و مدیریت گرایشات به واسطه ارائه آگاهی های مناسب و تمرین مهارت های زندگی
۱. ارائه درک درستی از هستی، انسان و جایگاه او در نظام هستی

از آنجایی که رفتار انسان برآمده از گرایشات و نگرش های وی می باشد، یکی از مهمترین کارکردهای آموزش و پرورش زمینه سازی جهت مدیریت گرایشات خوب و بد انسانی و تقویت گرایشات خوب و تصحیح نگرش های افراد جامعه است؛ همچنین یکی از علل عدم تمایل به افزایش

گفتن ساز، نقش بی بدیلی را در تحقق این آرمان مهم انقلاب اسلامی دارد؛ چرا که از ظرفیت تحقق رشد منابع انسانی به لحاظ کمی و کیفی برخوردار است. بر این اساس دو مقوله «جمعیت» و «نظام تعلیم و تربیت» با یکدیگر گره می خورند؛ زیرا اولی به رشد کمی و دومی به رشد کیفی نیروی انسانی می پردازد. علاوه بر این از آنجا که پیشرفت و سلامت همه جانبه کشور در گرو سرمایه گذاری بر نظام تعلیم و تربیت است، لذا می توان گفت آموزش و پرورش بر جمعیت تقدم رتبی دارد. به عبارت

این درک از هستی که «انسان در

این جهان هدفمند و یکپارچه باید

با مدیریت رنج ها و سختی ها به

شکوفایی برسد.» با اینکه «نامین

حداکثری رفاه در زندگی اولویت

اصلی می باشد.» دور ویرگرد متفاوت

است و در نتیجه به دور رفتار متفاوت

(در خصوص افزایش جمعیت) منتهی

خواهد شد.

ساده تر اگرچه آموزش و پرورش به طور مستقیم به هدایت و شکوفایی افراد جامعه می پردازد، لکن به طور غیرمستقیم می تواند بر رشد جمعیت تاثیر ویژه بگذارد. با توجه به آنکه هر گونه تغییر اساسی در نظام آموزشی به بازنگری در زیر ساخت های نظری همچون انسان شناسی و جهان بینی وابسته است، لذا در این نوشتار سعی می شود این مساله از منظر مباحث بنیادی تعلیم و تربیت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

با مطالعه دقیق مولفه هایی که موجبات کاهش انگیزه باروری را فراهم کرده اند، می توان مسائل ذیل را احصاء کرد:

۱. رسوخ نظام فکری غرب در نظام های اجتماعی

بازی طولانی

اهمیت تولید نیروی انسانی در جامعه شیعی به اندازه ای است که تمدن غرب در جهت تحقق اندیشه ها و مقاصد خویش و همچنین استیلای سیاسی و اقتصادی خود در جهان سعی داشته با طراحی سناریوهایی، سیاست های کاهش جمعیتی نظام جمهوری اسلامی ایران را تشویق و ترغیب نماید؛ به گونه ای که در سال ۲۰۰۹ برژینسکی نومحافظه کار که یکی از سیاست گذاران کهنه کار آمریکایی و از اعضای مهم تشکیلات بیلدربرگ و کلوب بوهم و از طراحان پروژه نظم نوین جهانی است، در مصاحبه ای با روزنامه وال استریت ژورنال می گوید: «از فکر کردن به حمله پیش دستانه علیه تاسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفتگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست».

بنابراین مسئله تولید و پرورش نسل به عنوان یکی از مسائل استراتژیک انقلاب اسلامی محسوب می شود لیکن با نگاهی به آمارهای نرخ جمعیت این امر نمایانگر می شود که روند کنونی این نرخ در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام و پیش قراول تحقق اهداف انقلاب اسلامی رو به کهنسالی است، به گونه ای که متوسط سن جمعیت کشور در ۳۴ سال آینده به سمت ۶۰ سال میل خواهد نمود و این موضوعی است که قدرت ملی را در نسبت با آنچه که در اسناد بالادستی نظام اسلامی هدف گذاری شده است، دچار خدشه می سازد.

آموزش برای رشد جمعیت

با توجه به آنکه جمعیت به عنوان یکی از مهم ترین مولفه های استراتژیک هر کشوری شناخته می شود، لزوم توجه به این مولفه مهم و برنامه ریزی برای آن، بیش از پیش محسوس می گردد. هر یک از نظام های اجتماعی باید سعی نموده در راستای سیاست های افزایش جمعیتی برنامه ریزی های منسجمی را انجام دهند.

در این بین نظام تعلیم و تربیت به عنوان نهادی



جمعیت، گرایشات و نحوه نگرش افراد جامعه نسبت به موضوع جمعیت است؛ بنابراین آموزش و پرورش می‌بایست نسبت به ارائه یک نقشه کلی در مورد جهان، انسان، نقش و جایگاه انسان در هستی بر اساس مبانی اسلامی تلاش کرده و به این وسیله افراد جامعه بتوانند به کلان‌نگری در این حوزه مجهز شوند. فراگیران باید به این درک برسند که نظام هستی که نظام احسن می‌باشد بر اساس عدالت خداوند آفریده شده است. بدین معنی که هر یک از مخلوقات بر اساس استعدادهایی که خداوند برای آن‌ها قرار داده است در مسیر خود هدایت و راهنمایی می‌شوند. به عنوان مثال این درک از هستی که «انسان در این جهان هدفمند و یکپارچه باید با مدیریت رنج‌ها و سختی‌ها به شکوفایی برسد.» با اینکه «تأمین حداکثری رفاه در زندگی اولویت اصلی می‌باشد.» دو رویکرد متفاوت است و در نتیجه به دو رفتار متفاوت (در خصوص افزایش جمعیت) منتهی خواهد شد.

۲. زمینه‌سازی پرورش صفات اساسی

از جمله کارکردهای آموزش و پرورش، زمینه‌سازی جهت کسب و تقویت صفات و ملکات پسندیده در افراد است. به نظر می‌رسد تقویت صفات پسندیده مبنایی مانند عزت‌نفس و استقلال در انسان اساس شخصیت می‌باشد و به برخی دیگر صفات مانند مسئولیت‌پذیری و روحیه انقلابی منجر می‌شود. داشتن این روحیه در جهت تقابل با همه‌های نظام فکری غربی در ارائه سبک زندگی بسیار موثر است؛ چراکه دارا بودن این ویژگی‌ها توسط فراگیران موجب می‌شود فرد بدون وابستگی به سایرین و با مدیریت محیط که خالی از موانع نیست، با سعی و تلاش زمینه رشد و شکوفایی خویش را فراهم سازد. بدیهی است که شخصیت رشد یافته، رفتار مناسب‌تری را نسبت به موضوع مورد بحث از خود نشان خواهد داد. در این میان برخی از صفات و ویژگی‌ها، در خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردند مانند ایثار و از خودگذشتگی.

۳. تمرین سبک زندگی اسلامی

از دیگر کارکردهای آموزش و پرورش زمینه‌سازی جهت کسب و تقویت مهارت‌های زندگی است. بر همین اساس توجه خاص به برخی از مولفه‌های آن ذیل مبانی اسلامی از قبیل خانواده‌محوری، توجه یکپارچه به پرورش جسم، روح و روان، پرهیز از مصرف‌گرایی، از جمله وظایف آموزش و پرورش می‌باشد که بر مقوله رشد جمعیت تأثیرگذار می‌باشد.

توجه به تفاوت‌های جنسیتی

آموزه‌های متعدد دینی چه مستقیم و چه غیر مستقیم به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد اشاره کرده‌اند. این تفاوت هم در قوای جسمانی است و هم در ذهنیت‌ها و تمایلات و رفتارها. مواردی چون حس حمایت‌گری، حیا، انس و آرامش‌بخشی، خودنگهداری در امور جنسی و قوت عاطفه به عنوان صفات غالب در زنان و قدرت تدبیر و دوراندیشی عقلانی و غیرت در امور جنسی، از صفات غالب در مردان که دارای منشأ طبیعی‌اند به شمار آمده

است.^۴ توجه به هدفمندی و حکمت الهی توضیحی مناسب است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها در تدبیر حکیمانه‌ی خلقت بی‌هوده نیست و به منظور ایجاد کارکردهای مختلف قرار داده شده است. از سوی دیگر، آموزه‌های متعدد نشانگر آن است که خداوند موقعیت‌ها و نقش‌های متفاوتی برای زن و مرد مقرر کرده است. احراز برخی از این موقعیت‌ها و نقش‌ها، مسئولیتی واجب به شمار می‌آید و برخی دیگر هرچند تکلیف واجب نیست اما به دلیل آن که انجام چنین فعالیت‌هایی به عنوان یک نقش جنسی در کارآمدی و نشاط خانواده و اجتماع تأثیر به سزایی دارد، نظام آموزشی موظف است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که هر جنس به نقش‌های ویژه خود تشویق گردد.

آموزش و پرورش با تغییر رویکرد خود، باید ارزش‌های مربوط به خانواده را پررنگ کند و برای اینکه دختران و پسران از عهده مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی سازگار با جنسیت خویش برآیند، باید جامعه‌پذیری درستی به آنان آموزش داده شود و بدین وسیله هر یک در تکامل اجتماعی جامعه خویش نقش درخوری ایفا کنند. زیرا هر اجتماعی در مسیر تکامل خویش نیازمند ظرفیت‌های زنانه و مردانه است.

اعمال صحیح این راهبرد در نظام تعلیم و تربیت موجب می‌شود نارضایتی از نقش‌های جنسیتی و تحقیر نقش‌هایی چون مادری و فرزند آوری کاسته شود و افراد تمایل بیشتری برای ازدواج کردن در سنین پایین داشته باشند.

نکته قابل توجه در امر راهبردها این است که نظام تعلیم و تربیت به عنوان متولی اصلی پرورش راهبردهای مذکور، در راستای تحقق صحیح و کامل آن‌ها باید به ابعاد انسان‌شناختی^۵ فراگیران توجه کافی را داشته باشد. وضعیت‌شناسی مدارس ایران نمایانگر این مسئله است که بیشترین تمرکز و توجه به پرورش بُعد آگاهی فراگیران بوده است و مولفه‌های دیگر انسان‌شناختی چون گرایشات و رفتار در این بین مغفول مانده است. از پیامدهای آن، این است که دانش‌آموزان قادر به انتقال و کاربست یادگیری‌های خویش در صحنه زندگی و عمل نبوده و صرفاً مباحث یادگرفته را در ذهن خود قرار داده و بعد از مدتی آن را فراموش می‌کنند. راه حل این مساله توجه به گرایشات است. گرایشات به عنوان نقطه ثقل وجود انسان‌ها محسوب می‌شوند؛ بسیاری از انسان‌ها بر اساس آن چیزی عمل و رفتار می‌کنند که به آن میل و گرایش دارند، بنابراین سرمایه‌گذاری‌های تربیتی در این بُعد بسیار ارزشمند است.

نکته قابل تأمل دیگر اینکه از سویی رابطه دوسویه بین رفتارها، آگاهی‌ها با گرایشات وجود دارد. به گونه‌ای که هر یک بر دیگری تأثیرگذار می‌باشد. به بیان ساده‌تر می‌توان از طریق تغییر در گرایشات، موجب تغییر در آگاهی و رفتار و همچنین با تغییر رفتار و آگاهی باعث تغییر در گرایش شد و از سوی دیگر خداوند انسان‌ها را با ظرفیت‌های گرایشی در سطح عالی آفریده است که باید از این پتانسیل

بهره برد و آن‌ها را در مسیر صحیح الهی قرار داد. بنابراین باید در راستای تحقق هدف افزایش کمی و کیفی جمعیت این مساله را در نظر داشت که صرف فعالیت‌هایی از جنس آگاهی نمی‌تواند راه به جایی ببرد و تمام فعالیت‌ها عقیم و ابرتر خواهد ماند.

با توجه به مطالب ذکر شده، برای اینکه جهت‌دهی به آگاهی‌ها، گرایشات و رفتار فراگیران منجر به تصمیم‌گیری صحیح در موقعیت مناسب، پیرامون موضوع تشکیل خانواده و رشد کمی و کیفی آن گردد، می‌بایستی منطبق بر اصول کلی تربیت از منظر انسان‌شناسی اسلامی در بازه‌های سنی هفت ساله و در قالب راهبردهای عملیاتی، صورت پذیرد. به عنوان مثال در هفت سال اول توجه به رشد جسمی متعادل از طریق تغذیه مناسب و فعالیت بدنی کافی و نیز توجه یکپارچه به علایق و نیازهای کودک، با اعمال محبت کافی زمینه‌ساز ورود مناسب او به دوران بلوغ در هفت سال دوم خواهد بود و به طور غیر مستقیم نیز زمینه ساز فرصت‌های فرزند آوری مناسب را فراهم خواهد نمود.

در هفت سال دوم نیز آشنایی با نظام مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و تمرین مهارت‌های مورد نیاز بر محور ادب آموزی، زمینه توجه فراگیران به حدود الهی و حفظ ادب حضور در محضر رب، خالق و مخلوقات را فراهم آورده، ضمن تلفیق آگاهی و عمل در پروژه‌های درسی، موجب کسب چشم‌اندازی یکپارچه و کل‌نگر را در فراگیران می‌شود.

در هفت سال سوم نیز حول محور زمینه سازی افزایش قدرت تصمیم‌گیری و ایفای نقش موثر از طریق مواجه فعال با مسائل، در موقعیت‌های تربیتی، متمرکز بر نیازها و اولویت‌های زندگی خانوادگی، زمینه ورود عینی فراگیران به این مباحث، همراه با گرایشات فعال شده ضمن تلفیق آگاهی‌ها و موقعیت‌های عملی فراهم می‌گردد.

به نظر می‌رسد با نگاهی سیستمی و راهبردی به مسائلی که موجب کاهش جمعیت در نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند، بتوان برنامه‌ریزی منسجمی برای نظام تعلیم و تربیت انجام داد تا شاهد تغییرات چشمگیر در رشد کمی و کیفی جمعیت کشور بود. در این راستا تحول در رویکرد نظام برنامه درسی از موضوع‌محوری به سمت رویکردهای تلفیقی- میان رشته‌ای به شیوه فعال (در دو ساحت ذهن و عمل) و مسئله‌محور با محوریت خانواده می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران حوزه جمعیت باشد. II

پی نوشت‌ها:

۱. W.taban@gmail.com

۲. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، خبر شماره

۸۸۱۲۵۰۲۲۴

۳. خبرگزاری مشرق نیوز، ۱۳۹۲/۸/۴، خبر

شماره ۲۵۲۱۴۰

۴. قرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی

(بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان به

مناسبت روز زن)

۵. کلیه مباحث انسان‌شناختی در این نوشتار مبتنی

بر بیانات حجت‌الاسلام و المسلمین پناهیان پیرامون این

مسئله می‌باشد.



| به خدا اعتماد داریم؟ |

« نسلی بدون خواهر و برادر

اگر امروزه از پدران و مادران پرسیده شود چرا یک فرزند؟ بدون شک اغلب آنان دو پاسخ مشترک دارند: یکی به خاطر وضعیت مالی و دوم دغدغه تربیتی. البته پاسخ‌های دیگری نیز وجود دارد که نقش پررنگی در این زمینه ندارند. علاوه بر بعضی‌ها جوابی ندارند و بیشتر وضعیت موجود زندگی خود را ملاک بچه‌دار شدن قرار می‌دهند که باید در موضوع سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

فرزندان خود را فراهم کنند. لذا شروع می‌کنند به مال‌اندوزی. درحالی‌که بهترین لحظات عمر خود را در راه جمع‌آوری مال سپری کرده و چون قدرت تأمین همه این امکانات برای فرزندان زیاد را ندارند، به همان یک یا دو فرزند بسنده می‌کنند و حتی فرصتی برای فکر کردن به بچه دیگر پیدا نمی‌کنند. دریغ از اینکه از نظر دین اسلام پدر و مادر هیچ وظیفه‌ی شرعی نسبت به تأمین مالی آینده فرزندان خود ندارند و در واقع به تعبیر یکی از بزرگان، نقشی را که پدر و مادر ایفا می‌کنند، گاو صندوق نسل آینده‌شان است.

این مسئله حتی از نظر تربیتی نیز مورد تأیید نیست و بزرگترین ضربه‌ی اجتماعی را به فرزندان وارد می‌کند. به این دلیل اگر این شیوه تا چند نسل ادامه پیدا کند، آنان را افراد تنبل و بی‌فکر بار می‌آورد که برای جبران مشکلات مالی خود، دغدغه‌ای ندارند و این به هیچ‌وجه مطلوب نیست و باعث ازبین‌رفتن تمدن آن جامعه می‌شود.

امام حسن(ع): آماده سفر آخرت شو و قبل از فرا رسیدن مرگ، زاد و توشه خود را فراهم کن و بدان که تو در حالی دنیا را می‌طلبی که مرگ، تو را می‌طلبد و امروز غم و اندوه فردا را نداشته باش و بدان که هر چه از مال دنیا بیشتر از غذا و خوراک خود به دست آوردی، در حقیقت آن را برای دیگران ذخیره کرده‌ای.

نظام تربیتی اسلامی در خانواده بخش عمده‌ای از مشکلات مالی جامعه را برطرف خواهد کرد. صفت قناعت، انفاق، تقدم همسایه، دوری از اسراف و... بزرگترین صنعت و مهندسی جامع برای مدیریت مالی و دوری از فقر در خانواده و جامعه است.

پدر و مادر یا گاو صندوق؟!

انسان‌ها نسبت به روزی‌رساندن خدا

بدگمانند؛ بدگمانی که در انسان‌ها

مراتب مختلفی دارد، دسته‌ای به اصل

روزی‌رساندن از طرف خدا بدگمانند،

گروهی به مقدار و اندازه روزی و

برخی به زمان روزی و در نهایت برخی

به نوع روزی‌رساندن از طرف خدا

که هر کدام تعریف و تفصیل جدایی

می‌طلبند

بخشی از دغدغه پدر و مادرها به خاطر وضعیت و فشار مالی فعلی نیست، بلکه آن‌ها از آینده فرزندان خود نگرانند و سعی می‌کنند به هر شکلی که شده تا وقتی که زنده هستند، تمام نیازمندی‌های آینده

بدون شک مشکل اقتصادی یکی از بزرگترین بهانه‌ها در بی‌ربوبی خانواده‌ها برای بچه‌دار شدن است. اما باید پرسید کدام مشکل اقتصادی و کدام بُعد اقتصادی؟

این مقاله قصد ندارد به صورت سلیبی با این موضوع برخورد کند تا به خواننده القا کند که مشکل اقتصادی وجود ندارد. خیر، اتفاقاً مشکل اقتصادی وجود دارد ولی باید دید این مشکل از کجا نشأت گرفته و آیا نقش آن در عدم تکثیر نسل جایگاهی دارد یا خیر؟

اسلام نقشه مالی صحیح برای مدیریت خانواده را در پیش روی ما قرار داده است که بخشی از آن بر عهده حکومت اسلامی است و بخشی فردی و اجتماعی است.

در نظام اسلامی، این وظیفه حکومت است که سیاست‌های کلان جامعه را به سمت و سویی سوق دهد تا مردم با بن‌بست اقتصادی مواجه نشوند. تغییر نگرش، جهت‌دهی نیازمندی‌ها و اجرای عدالت از جمله وظایفی است که دولت اسلامی باید به آن پایبند باشد. اما این‌ها دلیل منطقی برای کاهش نسل نیست؛ چرا که ضرورت تشکیل خانواده سالم و پویا را حکومت برعهده ندارد و این امری فردی است. تنها وظیفه‌ای که برعهده دولت است نقش حمایتی و جهت‌دهی است.

اما وظیفه اصلی بر عهده افراد است. اجرای



سرمایه مالی یا فرزندان

اگر ما نتوانیم به دو سوال قبلی پاسخ بدهیم، نتیجه آن خواهد شد که زن نه به عنوان شایستگی در انجام کار اقتصادی خاصی در جامعه، بلکه به عنوان ضرورت و جبران کمبود مالی تصمیم می‌گیرد وارد بازار کار و سرمایه شود تا از این طریق کمبودهای مالی زندگی را جبران کند. قابل انکار نیست، بخش قابل توجهی از خانواده‌هایی که میل به بچه‌دار شدن و یا فرزند بیشتر ندارند، خانواده‌هایی هستند که مادر، شغل تمام‌وقت اجتماعی دارد. در حالی که او می‌تواند با اصلاح سبک زندگی و توجه به دستورات اسلامی و قناعت، زندگی آرامی را با همان درآمد همسرش رقم بزند تا در آینده، فرزندان سرمایه تمام‌نشینی آنان شوند. فرزندی که مستقیماً در دست و دامن مادر تربیت یافته، نه در مهد کودک‌ها!

خداوند روزی‌رسان است

قرآن می‌داند که علت اساسی عدم انگیزه مردم برای ازدواج کردن و بچه‌دار شدن و در نتیجه کاهش نسل، به خاطر ترس از فقر و تنگدستی است. به خاطر همین مردم را دل‌داری می‌دهد و سعی دارد تا به آن‌ها تفهیم کند که رزق و روزی دست خداست و اوست که همه را بی‌نیاز می‌کند. به همین دلیل در تشویق کسانی که تن به ازدواج نمی‌دهند و یا حتی پدر و مادران و کسانی که جوانان را از ازدواج کردن، نهی می‌کنند می‌فرماید: «از فقر و تنگ‌دستی جوانان و مجربان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی‌نیاز می‌سازد». «و انكحوا الایامی منكم و الصالحین من عبادكم و اماتكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» اگرچه منطوق این آیه برای ازدواج کردن است ولی مفهومش وسیع است و شامل همه شئونات زندگی به ویژه تکثیر نسل می‌شود.

قرآن برای توجیه انسان‌ها و برای رفع این سوءظن دایره رزق و روزی را وسیع‌تر معرفی می‌کند که نه تنها انسان‌ها بلکه رزق و روزی همه موجودات روی زمین دست اوست. «ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يُعْلَمُ مُسْتَقَرُّهَا وَ مُسْتَوْذَعُهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِینٍ» هود/۶

اگرچه بعضی از مفسرین بزرگ مثل فخر رازی معتقد هستند این آیه جزء وعده‌های خداوند نیست. که بعد اگر چنانچه محقق نشد بگوییم خداوند العیاذ بالله خلف وعده کرده است؛ چرا که به دست آوردن روزی مراتبی دارد که اگر انسان به سمت آن حرکت کند و در کنارش توکل خود را به خدا تقویت کند، همه این مشکلات برطرف خواهد شد. در واقع قرآن برای تقویت امید و در نتیجه تلاش انسان‌ها برای کسب روزی، تصویر عینی را نشان می‌دهد که آیا نمی‌بینید همه موجودات و انسان‌ها از طرف ما روزی می‌خورند و تا خدا نخواهد لقمه‌ای از گلولی کسی پایین نمی‌رود؟

چرا انسان‌ها به خداوند بدگمانند؟

حال که خداوند این‌گونه بیان کرده و اطمینان داده که رزق و روزی همه موجودات را فراهم می‌کند و نمونه روشنی از آن را به ما نشان می‌دهد، چرا باز باور نداریم و به مرز یقین نمی‌رسیم؟

از همین آیه قرآنی که ذکر شد و سایر روایات کاملاً روشن می‌شود که انسان‌ها نسبت به روزی‌رساندن خدا بدگمانند؛ بدگمانی که در انسان‌ها مراتب مختلفی دارد، دسته‌ای به اصل روزی‌رساندن از طرف خدا بدگمانند، گروهی به مقدار و اندازه روزی و برخی به زمان روزی و در نهایت برخی به نوع روزی رسیدن از طرف خدا که هر کدام تعریف و

از اینکه از نظر دین اسلام پدر و مادر

هیچ وظیفه‌ی شرعی نسبت به تأمین

مالی آینده فرزندان خود ندارند و

در واقع به تعبیری یکی از بزرگان،

نقشی را که پدر و مادر ایفا می‌کنند،

گام‌ستودق نسل آینده‌شان است.

باید دلیل آن را در رفتار خودمان جستجو و پیدا کنیم.

عدم درک قدرت خداوند به خاطر مادی‌گرایی ما انسان‌هاست، وقتی می‌خواهیم همه چیز را با قدرت و اختیار و خواسته‌های محدود خود مقایسه کنیم، نتیجه این می‌شود که نمی‌توانیم باور کنیم خداوند روزی‌رسان ما انسان‌هاست. این ویژگی در تمام شئون رفتاری ما آدم‌ها وجود دارد. مثل انسانی که صفت بخشیدن در او خیلی ضعیف است، این گونه افراد، امیدشان به بخشش خداوند نیز ضعیف است. به عنوان نمونه در این حدیث پیامبر خدا(ص) که فرمودند: «خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْيَخْلُ وَ سُوءُ الظَّنِّ بِالرِّزْقِ» بحار الانوار جلد ۷۴، صفحه ۱۷۴ رابطه یخل و سوء ظن به رزق به وضوح دیده می‌شود.

پیامبر اسلام (ص) در این حدیث می‌فرمایند: «دو خصلت است که در مومن جمع نمی‌شود، یخل، بخل و سوءظن به رزق از طرف خدا.»



رابطه بخل و سوءظن به رزق

اندیشمندان اسلامی یخل را اینگونه معنی می‌کنند: امساک کردن و خودداری نمودن از بذل و بخشش چیزی در جایی که بر حسب دستور شرع یا عرف و عادت مردم باید بذل شود. به بیان روشن‌تر: بخیل کسی است که حاضر نیست از مال، علم و سایر نعمت‌هایی که خدا به او عطا کرده، در جایی که عقل و شرع آن را مطلوب می‌داند، اتفاق کند و دیگران را از آن نعمت بهره‌مند سازد.

و چون این صفت در مراتب مختلف در بین انسان‌ها کمابیش وجود دارد، نسبت به خداوند سبحانه نیز چنین فکر ناپسندی می‌کنند. یعنی خداوند نیز (العیاذ بالله) از دادن نعمت روزی به بندگان یخل می‌ورزد، در حالی که او اجداد لا جودین است.

حافظ! قلم شاه جهان مقسم رزق است

از بهر معیشت مکن اندیشه باطل

عدم درک قدرت خداوند به خاطر

مادی‌گرایی ما انسان‌هاست، وقتی

می‌خواهیم همه چیز را با قدرت و

اختیار و خواسته‌های محدود خود

مقایسه کنیم، نتیجه این می‌شود

که نمی‌توانیم باور کنیم خداوند

روزی‌رسان ما انسان‌هاست

تفصیل جدایی می‌طلبید، ولی به طور کلی خداوند می‌خواهد با نشانه‌ها و آیات خود این بدگمانی را از بندگان بزداید.

اگر بگوییم مهم‌ترین علت این بدگمانی، ضعف ایمان و عدم توکل ما آدم‌هاست، گراف نگفته‌ایم. اما اگر بخواهیم به این سخن، کمی عینیت ببخشیم،



تلويزيون و مساله‌ای به نام خانواده هسته‌ای |

یک بام و دو هوای رسانه ملی



«پس از اعلام ضرورت تغییر سیاست جمعیتی کشور توسط سمیرا افتخاریا کارشناسان و مطرح شدن خطر کاهش شدید جمعیت، شورای عالی انقلاب فرهنگی به تدوین «راهنماها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باوری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضات کشور» پرداخت و این راهنماها به تصویب شورای یاد شده رسید.

در این مصوبه به فرهنگ‌سازی برای دست‌یابی به جمعیت مطلوب و اصلاح نگرش مردم و مسئولان نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری توجه ویژه‌ای شده است و بخش عمده‌ای از این فرهنگ‌سازی به رسانه ملی سپرده شده است.

در این سریال‌ها اغلب دارای بیشتر از دو فرزند بوده و خانواده از شادی و نشاط و آرامش خاصی برخوردار است. این سریال‌ها تأثیر غیر مستقیم خود را بر ذهن و ذائقه مخاطب می‌گذارد و باعث ترغیب ناخودآگاه او به فرزندآوری می‌شود. اما در تلویزیون ملی ما سال‌هاست که کودکان از تولیدات نمایشی کنار گذاشته شده‌اند و خانواده‌هایی با یک یا حداکثر دو فرزند خانواده‌هایی خوشبخت و سعادتمند هستند.

الگوهای ساده و موفق

طبیعتاً وقت آن رسیده است که رسانه ملی نیز که براساس سیاست جمعیتی سال‌های گذشته به نمایش گونه‌های افراط شده از خانواده‌های پرجمعیتی می‌پرداخت که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی بوده و هیچ نمادی از خوشبختی در آنها نبود، رویکرد خود را عوض کند. در عوض می‌توان شادی و نشاط و همکاری و پشتیبان‌هم‌بودن در خانواده‌های پرجمعیت را به تصویر کشید. ارائه الگوی ازدواج‌های ساده و آسان، پرهیز از به‌تصویر کشیدن زندگی زوج‌های جوانی که در روزهای ابتدایی ازدواج خود در کمال رفاه و آسایش هستند، ترویج قناعت و ساده‌زیستی و دوری از زیاده‌خواهی و تجمل‌گرایی، تعدیل سطح توقع خانواده‌های ایرانی از زندگی، ترویج فرهنگ اعتماد و توکل و خوش‌بینی به خداوند در کلیه امور زندگی، ارائه تصویر زیبا و قابل قبول از نقش مادری و پدری و همسری، نمایش فرزندان موفق، سالم و با اقتدار در خانواده‌های پر جمعیت، الگوسازی از خانواده‌های موفق پر جمعیت و اضافه کردن کودکان به مجموعه‌های تلویزیونی و نمایش کودک بعنوان عامل شادی و نشاط در زندگی خانوادگی می‌تواند در تغییر فرهنگ جامعه به سمت فرزندآوری مفید و موثر باشد.

رسانه ملی می‌تواند با پررنگ کردن نقش مادری و پدری و بیدار کردن این نقش در ضمیر ناخودآگاه مخاطب، بیشترین تأثیر را در تغییر سیاست جمعیتی کشور داشته باشد. II

منبع

رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی، ابراهیم شفیعی سروستانی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
چرا خانواده ایرانی تمایل کمتری به فرزندآوری دارد؟
نقیسه طهوری، سایت مهرخانه
خیانت رسانه، سمیرا افتخاریا، سایت مهرخانه

ملی به عنوان فراگیرترین و تأثیرگذارترین دستگاه فرهنگ‌سازی، نقش بی‌بدیلی در انتقال و اشاعه فرهنگ و تغییر گفتمان فرهنگی در سطح کشور دارد. تغییر گفتمان جمعیتی کشور نیز از این قاعده مستثنی نیست. رسانه ملی در تغییر این سیاست و دیدگاه در مردم بیشترین نقش را خواهد داشت. اما نکته حائز توجه در این میان این است که با توجه به مشکلات گوناگونی که در حال حاضر در زمینه ازدواج، مسکن، تأمین هزینه‌های زندگی و... در جامعه ما وجود دارد، در بحث فرهنگ‌سازی و تشویق مردم به فرزندآوری از طریق رسانه باید از القای پیام مستقیم و صرفاً شعاری در این زمینه به شدت پرهیز کرد. تأکید بیش از حد بر برنامه‌های گفتگو محور در زمینه افزایش جمعیت و القای پیام مستقیم به مخاطب در این زمینه با تأثیر معکوس همراه خواهد بود. به جرات می‌توان گفت بهترین ژانر برنامه‌سازی برای فرهنگ‌سازی و تشویق مردم به افزایش جمعیت، سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی هستند.

غربی‌ها پیش افتادند

یکی از کارکردهای ضمنی مجموعه‌سازی در تلویزیون فارغ از وجوه سرگرم‌کنندگی آن، بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و بیان آسیب‌های این دو حوزه است و برنامه‌های نمایشی از ظرفیت بالایی برای انجام این رسالت و مأموریت رسانه‌ای برخوردار هستند. مجموعه‌های تلویزیونی به واسطه خلق موقعیت‌های دراماتیک و بهره‌گیری از عناصر بصری از حیث روانشناختی، دامنه و عمق، تأثیر بیشتری بر مخاطب دارند و می‌توانند به فرهنگ‌سازی و هنجارپذیری افکار عمومی کمک کنند. مردم همواره از سریال‌های خانوادگی استقبال کرده و هنوز هم ملودرام‌های خانوادگی بیش از گونه‌های دیگر مخاطب دارد. بیان آسیب‌های خانوادگی و آگاه‌سازی خانواده ایرانی از آنها و همچنین آموزش مهارت‌های خانواده از طریق مجموعه‌های داستانی به دلیل همذات‌پنداری مخاطب با آن تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است.

رسانه‌های غربی نیز از مدت‌ها پیش برای القای پیام افزایش جمعیت از مجموعه‌های نمایشی موفق خانوادگی بهره برده‌اند. اگر به سریال‌های موفق خانوادگی آمریکا و اروپا در سال‌های اخیر دقت کنیم، درمی‌یابیم که خانواده‌های نمایش داده‌شده

ترغیب مردم به فرزندآوری و تغییر گفتمان سیاست جمعیتی کشور در شرایط کنونی کشور کار چندان ساده‌ای نیست. شرایط خاص اقتصادی حاکم بر کشور، مشکلات موجود بر سر راه ازدواج، کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق در کشور، مشکلات مسکن و بیکاری، کمبود امکانات رفاهی و آموزشی و بهداشتی و صدها مشکل دیگر، از جمله مواردی است که باعث مقاومت مردم بر سر راه تغییر سیاست جمعیتی کشور می‌شود. بعنوان مثال آیا می‌توان یک خانواده تهرانی را که در یک آپارتمان شصت و یا نهائیتا هفتاد متری با حداقل امکانات و فضا که با شاغل بودن تنها یک نفر از اعضای خانواده زندگی می‌کند، به داشتن بیشتر از دو فرزند ترغیب کرد؟

تغییر دیدگاه

از طرفی در سال‌های گذشته در راستای سیاست کاهش جمعیت، از سیاست‌های غیر مستقیمی نظیر بالا بردن سطح سواد و آموزش عمومی مردم، اعتدالی موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش، زمینه مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و خانواده و یا ارتقای سطح آگاهی عمومی در جهت ارتقای سلامت مادر و کودک استفاده شده که اکنون نمی‌توان خانواده را به راحتی برای افزایش جمعیت قانع نمود. اما شاید مهم‌تر از همه این موارد تغییر سبک زندگی مردم در سال‌های گذشته و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه باشد که امروز خانواده را از افزایش جمعیت می‌ترساند. رنگ‌باختن فرهنگ قناعت و سادگی در خانواده‌های ایرانی و گسترش رفاه‌زدگی در جامعه، یکی از موانع عمده پیش‌رو بر سر راه خانواده ایرانی برای تغییر سیاست جمعیتی است.

متأسفانه به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور، سیاست‌های تشویقی دولت برای افزایش جمعیت نیز یکی پس از دیگری در بن‌بست اجرا قرار می‌گیرد و عملاً تا کنون به غیر از افزایش وام ازدواج، سیاست دیگری در حمایت از افزایش جمعیت و مساله مادر و کودک عملیاتی نشده است. بنابراین در این حوزه فعلاً باید از اهرم فرهنگ‌سازی و تغییر دیدگاه مردم کمک گرفت.

از سخن کم کن!

اما رسانه ملی و به طور اخص تلویزیون برای تغییر این سیاست باید چه گام‌هایی را بردارد؟ بی‌شک رسانه